



۸ تیر، روز شهدای سازمان گرامی باد!

۸ تیر روز شهدای سازمان روز گرمی داشت خاطره رفقای جانباخته ای است، که در سال های سیاه اختناق، بر علیه سرمایه جهانی و امپریالیسم آمریکا بپاخواستند. این روز یادآور تلاش انقلابی و صادقانه انسان هایی است که در برابر رژیم خودکامه پهلوی و حامیان امپریالیستی اش تسلیم نشدند. و جان خویش را در راه نابودی استثمار و رهایی زحمتکشان و میهن مان فدا کردند.

۸ تیر روزی است، که فدائی خلق رفیق حمید اشرف همراه با ۹ فدائی دیگر؛ محمد حسین حق نواز، یوسف قانع خشکبیجاری، طاهره خرم، غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمدرضا یثربی، غلام علی خراط پور، علی اکبر وزیر، محمد مهدی فوقانی در نبردی نابرابر در شرایطی که از زمین و آسمان آماج رگبار گلوله های مأموران ساواک قرار داشتند، قهرمانانه در راه خلق خویش و در راه آرمان های طبقه کارگر فدائی وار جان باختند.

با شهادت رفیق حمید اشرف از بنیانگذاران سازمان، تمامی ۹ فدائی که رژیم شاه برای زنده و مرده آنها صدهزار تومان جایزه تعیین کرده بود، در صحنه های نبرد و یا در شکنجه گاه های پهلوی جان باختند. سال ۵۵، سال ضربات سنگینی بر سازمان بود. ضربه ۸ تیر که در آن زمان رفقای رهبری و ویژه حمید اشرف به شهادت رسیدند، بسیار سنگین بود. در نتیجه این ضربات سازمان تمامی رهبران و شمار قابل توجهی از کادرهای با تجربه خود را از دست داد. هرچند پس از این ضربه سازمان از بین نرفت و مبارزه همچنان ادامه یافت، ولی آثار این ضربات هیچگاه از پیکر سازمان زدوده نشد.

نشست نوبتی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سومین نشست نوبتی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از کنگره دهم، با حضور اعضا و مشاورین شورای مرکزی و رفقای مهمان، در روزهای ۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۸۷ برابر با ۷ و ۸ ماه ژوئن ۲۰۰۸، برگزار شد. (صفحه ۲)

“رهایی زنان ممکن است”

سه سال پیش در ۲۲ خرداد به همت زنان مبارز و آزادیخواه ایرانی بار دیگر فضای سکوت و انفعال شکست. جنبش زنان برابری طلب و آزادیخواه فارغ از هر گونه جناح بندیهای سیاسی، به شکلی انسجام یافته و گسترده در سطح جامعه و افکار عمومی، حقوق برابری برای زنان را مطرح ساخت. (صفحه ۴)

نگاهی متفاوت به مبارزات کارگران هفت تپه

سرمایه داری جهانی همانطوریکه سیاست های توسعه طلبانه خود را در قرنهای ۱۸ و ۱۹ زیر نام آبادسازی و ترمیم بنیانهای اقتصادی پیش می برد، بعدها ازطرح هایی چون طرح مارشال، طرح مونروئه و درایران طرح ترومن و ... استفاده می کرد. (صفحه ۵)

مروری بر حوادث ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

بی شک واقعه ۳۰ خرداد سال ۶۰ نقطه عطفی در مبارزات دمکراتیک ایران و انحرافی از انقلاب ۵۷ محسوب می گردد. پرداختن به این موضوع و ریشه یابی علل آن هنوز هم نیاز مبرم جنبش دمکراتیک و عدالت خواهانه کشورمان می باشد. (صفحه ۸)

اتحاد چپ، ضرورت ها، وظایف و چشم اندازها

لازم است قبل از هرچیزی تعریف خود را از چپ مشخص نمائیم. چپ در فرهنگ سیاسی به نیروهایی اطلاق می شود، که مدافع دمکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، صلح، محیط زیست، رفع ستم ملی، ریشه کنی بیسوادی، رفاه عمومی و ... می باشد. (صفحه ۱۰)

سرمقاله

بحران های موجود و وظایف چپ

بحرانهای اجتماعی جامعه مان را در می نوردد و هر روز شدیدتر از روز قبل چهره می نماید. آثار بیکاری و گرانی را در اشکال مختلف می توان در صفحات حوادث روزنامه هاف در تاکسی و اتوبوس و در هر نقطه ای از جامعه مشاهده نمود. خودکشی، بزه های متنوع، اعتیاد، قتل، دزدی، بیماری های روانی از جمله پی آمدهای بحران اقتصادی است. بدتر از همه تخریب اخلاق اجتماعی و حاکم شدن نوعی دوگانگی و دورویی و ریا را می توان نام برد که شاید در تمامی جوامع سرمایه داری کم و بیش آنرا شاهدیم، متأسفانه شدت آن در کشور ما زیاد بوده و حتا گریبان جوانان و نوجوانان و کودکان را هم گرفته است.

موج جدید بیکاری و گرانی که از دو سال گذشته اوج گرفته و از آغاز سال جدید بر شتاب آن افزوده شده، موجب اعتراضات گسترده مردمی بوده است. توده ها به زندگی با شرایط گذشته راضی نیستند، آنها خواهان تغییرات بنیادین در زندگی خود می باشند. اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در دوسال گذشته همه گیر شده، و رژیم را ازحکومت کردن بسان گذشته عاجز ساخته. البته این بدان مفهوم نیست که جمهوری اسلامی عنقریب فرو ریزد. ولی تضعیف شتابان حکومت مبتنی بر ولایت فقیه چیزی نیست که ادامه در صفحه ۲

در این شماره :

نشست نوبتی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - صفحه ۲
در راه برگزاری کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - صفحه ۲
چند سؤال از رفقا و هم زمان چپ مان - صفحه ۳
رهایی زنان ممکن است - صفحه ۴
محدودیت های و راهبردهای مبارزاتی زنان - صفحه ۴
نگاهی متفاوت به مبارزات کارگران هفت تپه - صفحه ۵
اخبار و رویدادهای مهم ایران و جهان - صفحه ۶
مروری بر حوادث ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ - صفحه ۸
فراخوان برای تشکیل جبهه متحد چپ - صفحه ۹
اتحاد چپ؛ ضرورت ها، وظایف و چشم اندازها - صفحه ۱۰
یاد یاران یاد باد - صفحه ۱۲
اعلامیه هیئت سیاسی - اجرای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت ۸ تیر - صفحه ۱۲

ارتباط با ما :

Kar_dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

ادامه سرمقاله صفحه ۱

رژیم بتواند آنرا پنهان سازد. تضعیف اقتدار حکومت، اختلافات رو به گسترش جناح های حکومتی بخصوص در بین جناح محافظه کاران از نموده های بارز این ضعف می باشد. دهها اعتصاب کارگری و اعتراضات دامنه دار معلمان و پرستاران علیرغم منع قانونی اعتصاب در طی دو سال گذشته و بخصوص در چند ماهه اخیر در اقاص نقاط کشور به راه افتاده است. کارگران به پایین بودن حقوق خود، تأخیر در پرداخت حقوق هایشان و ممانعت در تشکیل تشکل های مستقل کارگری معترض اند.

حدوداً ۳۵٪ از مردم جامعه زیر خط فقر زندگی می کنند. خط فقر در سال ۸۶ برای تهران حداقل به ۷۷۰ هزار تومان و در سایر نقاط کشور به ۴۴۰ هزار تومان رسیده است. مبالغی که برای اکثریت مردم دست نیافتنی می نماید. موج گرانی های اخیر حتا این ارقام را هم بی اعتبار ساخته. سران رژیم و بخصوص خامنه ای سعی نمودند با فرافکنی این مسئله را به گرانی جهانی مواد غذایی و بحرانی که بعضی نقاط جهان را فراگرفته است مرتبط سازند. آنها نمی خواهند بگویند اگر مواد غذایی در جهان حتا اگر ۵۰٪ هم رشد داشته باشد. در آمدهای نفتی کشورمان حداقل ۳۰٪ رشد داشته است. آنها نمی خواهند مردم بدانند که ۱۱۵ میلیارد از در آمدهای نفتی کشور در این سه سال گم و گور شده است. و برای پروژه اتمی شان تا بحال چند صد میلیارد دلار هزینه کرده اند و چقدر دیگر هم باید هزینه کنند. مردم باید بدانند که از برکت خوان هسته ای آفازاده هایشان دهها میلیارد دلار به یغما برده اند. سرمایه ای که می توان با آن هزاران کارخانه برای اشتغال صدها هزار از جوانان بیکار کشور احداث نمود. سرمایه ای که می توانست زیر ساخت های اقتصادی و ارتباطی کشور را متحول سازد. با انباشت این ثروت ملی می شد گام های بزرگی برای رفاه و آسایش مردم برداشت.

با اجرای وارونه اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی سازی (مخصوص سازی) صنایع سنگین و مؤسسه های زیربنایی، و اجرای سیاست تعدیل ساختاری مورد نظر صندوق بین المللی پول راه ها برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی به بهای فلاکت و خانه خرابی اکثریت مردم و غنی تر گشتن آفازاده ها، سرمایه داران نوکیسه دولتی و بازاریان هموار گشته است. بدین طریق هرآنچه هم که از در آمدهای نفتی به اقتصاد کشور تزریق می شود، به جیب حضرات سرازیر می گردد.

در این بحران جایگاه چه کدام است؟ چه میهنمان چه اندازه خود را برای برخورد با پی آمد بحران های اقتصادی که در حال فرا روئیدن به بحران های سیاسی و اجتماعی غیر قابل کنترل است، آماده نموده اند؟ متأسفانه چنین به نظر می رسد که بهمن ۵۷ بار دیگر برای چه در حال تکرار است.

سناریویی که رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داری جهانی خصوصاً آمریکا برای چه نگاشته اند، به نظر می رسد که چنان دقیق و ماهرانه است که امید برای حل تفرقه و تششت چه در سال های آتی ضعیف بنظر می رسد. هرچند کورسوهایی را در ماه های اخیر شاهد بوده ایم، از جمله حمایت مورد قبول از آزادی محمود صالحی را می توان نام برد. همچنین اطلاعاتیه های سازمان ما و اتحاد فدائیان حاکی از آن است که موضوع اتحاد چه در دستور کار کنکره های آتی این دو سامان قرار دارد. امیدواریم با همت دیگر سازمان ها و احزاب چه این نیاز مبرم چه ببار نشینند. متأسفانه تلاش دانشجویان چه برای حرکتی متحد و یکپارچه تحت لوای برابری خواهی و آزادی طلبی نه تنها نتوانست انگیزه ای قوی در میان ریش سفیدان چه برای نزدیکی موجب شود، خود نیز بنوعی ازافت تفرقه ضربه دید، وزمانی که دهها دانشجوی چه در زندان های رژیم زیر شکنجه های وحشیانه قرار داشتند ما شاهد حرکتی متحد و پرازنده چه برای آزادی این دوستان جوان نبودیم. امروز هر کسی و جریانی از چه که زیر شعارهای خوش آیندی چون دمکراسی و رادیکال مبارزه طبقاتی و ... موجبات تششت چه را فراهم آورد. راهی جز خیانت پیش نگرفته است. اتحاد نیاز مبرم نیروهای چه می باشد. برای اتحاد جریانات چه از ایده جبهه متحد برابری خواهی و آزادی طلبی دانشجویان چه سوسیالیستی می توانیم بهره ببریم.

نشست نوبتی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۸۷ برابر با ۷ و ۸ ماه ژوئن ۲۰۰۸

سومین نشست نوبتی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از کنگره دهم، با حضور اعضا و مشاورین شورای مرکزی و رفقای مهمان، در روزهای ۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۸۷ برابر با ۷ و ۸ ماه ژوئن ۲۰۰۸، برگزار شد.

به مناسبت تقارن زمانی نشست با بیستمین سالروز شهادت رفیق انوشیروان لطفی، گرامیداشت یاد این مبارز گرانقدر راه بهروزی مردم ایران، که توسط جمهوری اسلامی اعدام شد، نخستین اقدام نشست بود. رفیق مهدی فتاپور در سخنرانی خود به این مناسبت گفت: "برای ما از رفقای که شهید شدند، خاطره ای باقی مانده است که در همان زمان متوقف شده. خاطره ای از امیدها، رویاها و ارزشهایی که آنان در آن زمان نمایندگی می کردند. برای ما برزگداشت شهدای گذشته سازمان، ارج گراری به همین ارزشهاست و آنهایی که سمبل آن آرزوها و امیدها و نمونه ارزشهای فدائیان بوده اند، برای ما عزیزترین اند. انوشیروان لطفی یکی از برجسته ترین این نمونه هاست. " پس از آن رفقا به پا خاستند، یک دقیقه سکوت کردند و احترام خود را ثار رفیق انوش و دیگر شهدای راه بهروزی مردم ایران کردند.

تحلیل اوضاع سیاسی کشور و چشم اندازها و همچنین سیاستها و راستاهای فعالیت ما تا کنگره آتی در نشست مورد بحث قرار گرفت. پیش نویس بیانیه شورای مرکزی با عنوان "جمهوری اسلامی در گرداب بحرانه" که از سوی مسئول هیئت سیاسی-اجرایی تهیه شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی به تصویب شورا رسید. مطابق معمول همه نشست های نوبتی شورا، نشست برپایه گزارشهای کتبی نهادهای سازمانی، به بررسی عملکرد شورای مرکزی، هیئت رئیسه شورای مرکزی، هیئت سیاسی-اجرایی و گروه های کار پرداخت و رهنمودهای لازم را ارائه نمود. یکی دیگر از موضوعات با اهمیت مورد بررسی نشست، موضوع وحدت چه بود. شورای مرکزی موضوع را مورد بررسی قرار داد و رهنمودهای لازم را ارائه نمود. مسئول کمیسیون اسناد پایه ای منتخب کنگره دهم، گزارشی از کار کمیسیون به نشست ارائه داد و اعلام کرد پیش نویس سند برنامه سازمان در کمیسیون تعیین شده و کار روی آن متمرکز گشته است و در اولین فرصت برای اظهار نظر انتشار خواهد یافت. در رابطه با تدارک کنگره ۱۱ و موضوعات پیشنهادی شورا برای دستور کار آن و سازماندهی های لازم، هیئت رئیسه شورا طرحی را تهیه و به نشست ارائه کرده بود. این طرح مورد تایید نشست قرار گرفت و بدین ترتیب کار تدارک کنگره پا به مرحله اجرا گذاشت.

شورای مرکزی پس از استماع گزارش هیئت سیاسی-اجرایی، قراردایی را که در مورد مسائل تشکیلاتی به نشست ارائه شده بود بررسی و تصمیمات لازم را اتخاذ نمود. نشست به همه موضوعات در دستور رسیدگی کرد و کار خود را با موفقیت به پایان رساند.

هیئت رئیسه شورای مرکزی
۲۳ خرداد ۱۳۸۷ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۸

در راه برگزاری کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران تا چند ماه دیگر برگزار خواهد شد. کمیته مرکزی سازمان طبق اساسنامه موظف است دستور جلسه کنگره را پیشنهاد نموده و برای آن تدارک کند. این پیشنهاد در صورت تصویب در جلسه، رسمیت پیدا خواهد نمود. از اینرو کمیته مرکزی سازمان، موضوعات در دستور را در مشورت با تشکیلات، اینگونه پیشنهاد نموده است:

اوضاع سیاسی ایران
ائتلافها و وحدت چه
قطعنامهها و قرارها
انتخابات کمیته مرکزی

علاوه بر موضوعاتی که در جلسه کنگره به بحث گذاشته میشود، گزارش عملکرد کمیته مرکزی در فاصله دو کنگره نیز، که شامل بررسی فعالیت ارگانهای مرکزی، گروههای کار و تشکیلات است، در دستور جلسات پیشا کنگره های قرار دارد و اعضای سازمان در این باره به گفتگو خواهند نشست.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
خرداد ۱۳۸۶ برابر ژوئن ۲۰۰۸

با سلامی گرم به شما مادران و خانواده های عزیز جان باختگان فدایی

به دنبال انتشار نامه شما عزیزان به رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، مطالب زیادی نوشته شده است و این کنکاش ها و مجادلات همچنان ادامه دارد. با انتشار پاسخ هیأت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت که در حقیقت بیان کلی مواضع سازمان بود، این موضوع ابعاد وسیع تری بخود گرفته و واکنش شخصیت های سیاسی وحتا احزاب و سازمان ها را هم بدنبال داشته که بعضاً جنبه رسمی هم بخود گرفته است. چنین بنظر می رسد که این بحث ها همچنان ادامه یابد. در جوابیه سازمان به موضوع ناشناس بودن امضاء کنندگان و عدم اعلام اسامی امضاء کنندگان تأکید خاصی شده است. این مسئله در نقدی که آقای فریدون احمدی به پاسخ سازمان داشته اند، هم دیده می شود. با توجه به اینکه مخاطب نامه شما رهبریت سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت بوده است، منطقی بنظر می رسد که مخاطب نامه را از هویت و اسامی نویسندگان و امضاء کنندگان آن مطلع نمائید، حتا اگر مایل نباشید اسامی انتشار بیرون یابد، می خواستیم علل و انگیزه هایتان را در این خصوص به خوانندگان نشریه "کار - داخل کشور" اعلام فرمائید.

با امید به پیروزی آرمان های فرزندانمان و یاران مان
۲/۱۳۸۷/۲۸

سلام بر شما عزیزان و یاران فرزندانمان

فرزندان گرامی، با تشکر از شما بخاطر در مراجعه مستقیم به خود ما جهت طرح سؤالات و ابهاماتتان، متأسفیم از اینکه رفتار رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت با انتظارات مادران بسی بیگانه بود.

عزیزان؛ ما نیز با شما در خصوص حق آگاهی مخاطب از هویت نگارندگان نامه هم رأی هستیم. تأخیر در اعلام اسامی نویسندگان نامه به رهبری سازمان ناشی از دلایلی بود که باختصار توضیح خواهیم داد. ما از رهبری سازمان که یاران فرزندانمان هستند و همچون آنان برای ما عزیزان، انتظار داشتیم بجای فرافکنی در مورد ناشناس بودن ما خیلی ساده با همان امیلی که شما تماس گرفته اید و قبل از همه بدست آنها رسیده بود، تماس می گرفتند و توضیح می خواستند. متأسفانه این عزیزان اشتباه کردند و در مقابل برخورد دلسوزانه و صادقانه ما به برخوردهای ژورنالیستی و درگیریهایی رایج اینترنتی روی آوردند. در امیلی که ما به رهبری سازمان فرستادیم و نامه مزبور پیوست آن بود اعلام نمودیم که اسامی را متعاقباً ارسال خواهیم کرد. تأخیر در ارسال اسامی ناشی از اختلاف نظر مادران و خانواده های جانبختگان فدائی برای اعلام اسامی بود. اکثریت امضاء کنندگان نامه با اعلام اسامی به رهبری سازمان موافق و حتی تعدادی هم خواستار انتشار بیرونی آن بودند. اما تعدادی از امضاء کنندگان نیز بدلیل امنیتی و احتمال نشت آن به بیرون با اعلام اسامی موافق نبودند. نهایتاً به این توافق رسیدیم که از انتشار بیرونی اسامی خودداری و اسامی کسانی را که مایل اند برای اطلاع شورای مرکزی سازمان ارسال نمائیم.

متأسفانه این موضوع با برخورد ناپسند سازمان همراه شد و نامه موسوم به مادران مدت ها مسکوت ماند، و پس از ارسال آن به دیگر سایت ها سازمان هم تنها دو روز آن را در سایت خود گذاشت. پس از انتشار نامه امیل و تلفن و مراجعه به خانواده ها برای شناسایی نویسندگان نامه شروع شد. و این موضوع موجب ناخشنودی مادران و خانواده ها از شکل برخورد رهبری سازمان و نهایتاً بی رغبتی آنان در اعلام اسامی امضاء کنندگان نامه گردید.

همچنین اشاره کرده بودید که آقای فریدون احمدی هم بدنبال اطلاع از هویت نویسندگان نامه بوده اند. از اینکه توضیحات صریح و گویای وی، ادعای مختصر ما را بصورت مبسوط تأیید نمود، از ایشان ممنون هستیم. ولی از آنجائیکه نامبرده مخاطب اصلی ما نبوده و تا جائیکه ما می دانیم مسئولیتی هم در شورای مرکزی سازمان بعنوان مخاطب آن نامه نداشته اند، نمی توانیم علت این کنجکاوی را درک کنیم!!!

با آرزوی موفقیت برای شما
مادران و خانواده های جانبختگان فدائیان خلق ایران
۳/۱۳۸۷/۲۱

ارنستو چه گوارا

بمناسبت هشتادمین سال تولد "ارنستو چه گوارا" هشتاد سال از تولد ارنستو رافائل دولاسرنا مشهور به "چه گوارا" کمونیست انقلابی و مارکسیست صادق و مبارز راه رهایی کارگران و زحمتکشان گذشت. رفیق "چه گوارا" در ۱۴ ژوئن سال ۱۹۲۸ در شهر روزا ریو آرژانتین دیده بر جهان گشود. سراسر زندگی کوتاه رفیق "چه" در آموختن و مبارزه سپری شد. در مبارزه بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم و برای تحقق جامعه عاری از استثمار، جامعه سوسیالیستی. وی بارها فریاد برآورد "درنده خویی امپریالیسم، حیوانیتی است که حد و مرز ملیتی نمی شناسد." سال های متمادی سواحل زمردگون کوبا، جنگل های استوایی کنگو و کوه های سرسبز بولیوی عرصه پیکار و شاهد از خود گذشتگی رفیق "چه گوارا" بودند. صداقت و جسارت رفیق "چه" موجب شد در مدتی کوتاه به سمبل برای کمونیست های انقلابی و مبارزین ضدامپریالیست آمریکای لاتین و سراسر جهان و اسطوره ای تسخیر ناپذیر برای خلق های تحت ستم مبدل شود.



تو با خورشید بهاری
آمدی که شعله بر سوز سرما زنی
با شعله لبخندت پرچم آزادی را برپا کردی
در اینجا حضور "صراحت و شفافیت" دلگرم کننده ات
برجاست
فرمانده چه گوارا

امسال درهشتادمین سالروز تولد این کمونیست مبارز مراسم بزرگداشتی در کشورهای کوبا و آرژانتین برگزار خواهد شد.

رفیق "چه" تولدت مبارک

چند سؤال از رفقا و هم‌زمان چپ‌مان

رفقا و هم‌زمان؛ ما برای تبیین جایگاه چپ و نقش آن در مبارزات دمکراتیک و طبقاتی در نظر داریم، با مراجعه به احزاب و سازمانها و شخصیت‌های سیاسی چپ و طرح سؤالاتی نظراتشان را جویا شویم. سؤالات زیر گامی است در این راستا، خوشحال خواهیم شد با پاسخ‌گویی به این سؤالات ما را در راه هدفی که دنبال می‌کنیم، کمک نمائید. سعی خواهیم نمود، این سؤالات را به آدرس تمامی احزاب و سازمانهای سیاسی و شخصیت‌های مطرح چپ کشورمان ارسال نمائیم. با انتشار این سؤالات در نشریه کار داخل کشور و با امید به همکاری شما رفقا، قدم اول را برمی‌داریم.

سؤالات:

- ۱- تعریف شما از چپ چیست؟ و چه نیروهایی را در زمره چپ ایران ارزیابی می‌کنید؟
- ۲- مهم‌ترین وظایف جریانان چپ در شرایط کنونی کشورمان چیست؟
- ۳- ضرورت‌های اتحاد چپ برای دستیابی به اهدافش را تبیین نمائید.
- ۴- علل و عوامل (درونی و بیرونی) تشتت و پراکندگی چپ را ناشی از چه می‌دانید؟
- ۵- اتحاد چپ در تعمیق مبارزات طبقاتی و دمکراتیک کشورمان چه تأثیری خواهد داشت؟
- ۶- اتحاد چپ به لحاظ شکلی و محتوایی چگونه باید باشد؟
- ۷- نقش و جایگاه چپ در تبعید چه می‌تواند باشد؟ برای بهبود ارتباط و ارتقاء نقش چپ خارج از کشور چه تمهیداتی لازم است؟

محدودیت‌های و راهبردهای مبارزاتی زنان

موضوع محدودیت‌های جنسی و ریشه‌یابی آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی به عنوان اینکه قوانین و قواعد حاکم بر جامعه ماهیتاً بر اساس این محدودیت‌ها استوار می‌باشد، قابل بررسی است. ضرورت احیای حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان بدور از هر گونه جانبداری جنسیتی ایجاب می‌کند، که در فضای اجتماعی-سیاسی به نوعی بازسازی صورت پذیرد. بنحوی که با



ایجاد ساختارهای نوین اجتماعی-سیاسی همه شهروندان بتوانند فارغ از تفاوت‌های جنسی از فرصت‌های برابر برخوردار شوند. با این حال مبارزه برای احیای حقوق زنان به عنوان نیمی از خانواده بشری بیش از پیش ضروری می‌نماید. موقعیت‌های اقتصادی برکار و تلاش زنان - در برابر نقش کم‌اهمیتی که در اقتصاد دارند - و نیز موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی زنان در برابر محصولات اجتماعی و آموزه‌های مردسالارانه، سنت گرایانه و دین‌مدارانه که موجب عدم تساوی و عدم توازن و تبعیض جنسی گردیده، زنان را با گام‌هایی محکم و استوار و با

اعتماد به نفسی بالا برای رهایی و حقوق برابر به پیش می‌برد.

مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی نظیر دفاع از حقوق زنان، کودکان، سالمندان، معلولان، در جنبش‌های دفاع از صلح و ضد جنگ و نیز در تشکلهای اجتماعی و سندیکایی با هدف اصلاح و تجدید و تغییر قوانین و ارزشهای اجتماعی (که غالباً تحت نفوذ سنت و دین هستند) کمک به تحقق اهدافی است، که بر راستای فرایند بازسازی و تغییر در ساختارهای اجتماعی خواهد بود. در این مشارکت و کوشش اجتماعی صدای زنان بدون حذف مردان، پایه و اساس قوانین و قواعد اداره جامعه خواهد بود.

از محدودیت‌ها و فشارهایی که بر زنان تحمیل می‌شوند:

- ۱- محدودیت‌های آموزشی زنان (منع زنان از آموزش در برخی از رشته‌های تحصیلی)
- ۲- محدودیت‌های شرعی (دینی) و عرفی که بیشتر زنان را زیر هدف (قطع ارتباطات اجتماعی و فرا خانوادگی زنان).
- ۳- محدودیت‌های در انتخاب کار، محل زندگی خصوصاً بعد از ازدواج که تحت اختیار شوهر قرار می‌گیرد (جزء حقوق قانونی مردان است).
- ۴- محدودیت‌های قرار گرفتن زنان در مسئولیت‌های مدیریتی، در عین شایستگی (فرهنگ مسلط مرد سالارانه).

تحمیل مسئولیت‌های خانگی نظیر خانه داری، آشپزی و نگهداری کودکان، رسیدگی و مراقبت از آنان در دوران بیماری، رسیدگی به وضعیت تحصیلی کودکان ... (حتی در صورت شاغل بودن به عنوان شروع شیفت دوم کاری) مسئولیت‌هایی است که زنان را به شدت تحت فشار قرار می‌دهند و زنان را از پرداختن به مسایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دور نگه می‌دارند. حتی در صورت شاغل بودن، مردانه بودن شرایط کار و خشن بودن برخی از محیط‌های کار و عدم تأمین امنیت جنسی زنان در این محیط‌ها از مشکلات و سختی‌هایی است که بر دوش زنان سنگینی می‌کند.

با همه محدودیت‌ها و موانع و سختی‌ها زنان میهن‌مان از مبارزه پیگیر برای شکستن هنجارهای موجود اجتماعی و برای تغییر در ساختارهای اجتماعی، در هم پیوندی با مردان برای تأمین حقوق‌شان لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد.

“رهایی زنان ممکن است”

۲۲ خرداد روز همبستگی زنان ایران گرامی باد!

سه سال پیش در ۲۲ خرداد به همت زنان مبارز و آزادی‌خواه ایرانی بار دیگر فضای سکوت و انفعال شکست. جنبش زنان برابری طلب و آزادیخواه فارغ از هر گونه جناح بندی‌های سیاسی، به شکلی انسجام یافته و گسترده در سطح جامعه و افکار عمومی، حقوق برابری برای زنان را مطرح ساخت.

اولین بار روز ۲۲ خرداد سال ۸۴ زنان در دفاع از حقوق خود تصمیم گرفتند، جلوی دانشگاه تهران گرد هم آیند. این گردهم‌آیی که با دخالت پلیس به خشونت و درگیری انجامید با قرائت بیانیه توسط زنان پایان یافت. فرازهایی از این قطعه‌نامه در زیر آمده است:

- ۱ - ما خواهان حق برابر طلاق با مردان هستیم.
- ۲ - ما خواهان ممنوعیت تعدد زوجات هستیم.
- ۳ - ما خواهان حقوق برابر در ازدواج هستیم.
- ۴ - ما خواهان حضانت و به ویژه ولایت فرزند توسط پدر و مادر به‌طور مساوی هستیم.
- ۵ - ما خواهان تغییر سن مسئولیت کیفری برای دختران و پسران به ۱۸ سال هستیم.
- ۶ - ما خواهان حق شهادت برابر با مردان و حق قضاوت برای زنان در دادگاه‌ها هستیم.
- ۷ - ما خواهان لغو “قراردادهای موقت کار” که زندگی زنان شاغل را بیش از مردان دچار تزلزل و فروپاشی می‌کند هستیم.

در ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۵ به مناسبت سالگرد همین روز گردهم‌آیی در میدان هفت تیر تهران برگزار گردید، که باز با سرکوب و خشونت و دستگیری تعدادی از فعالان و شرکت‌کننده گان همراه بود.

درسال ۱۳۸۶ هم مقامات سیاسی از صدور مجوز امتناع نموده و به تیج آن نیروهای امنیتی از برگزاری گردهم‌آیی ۲۲ خرداد در سطح شهر ممانعت بعمل آوردند. بالاچار تعدادی با حضور تعدادی از شخصیت‌های سیاسی و مدنی در منزل یکی از فعالین جنبش زنان مراسمی در بزرگداشت این روز برگزار گردید.

اما امسال پلیس سیاسی از مدت‌ها قبل با جلب و دستگیری‌های موقتی فعالین جنبش زنان از برگزاری مراسم رسمی بزرگداشت ۲۲ خرداد ممانعت بعمل آورد. تا بزعم خود از تبدیل شدن این روز به سنتی موفق در جنبش اجتماعی مردم ایران جلوگیری کرده باشد. هر چند حاکمیت اسلامی همواره با جلوگیری، سرکوب، دستگیری و زندان و نهادینه کردن ترس در فعالین جنبش زنان و دیگر اقشار اجتماعی، مانع فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مردم می‌شود، اما حضور فعالان جنبش زنان در دیگر جنبش‌های اجتماعی و پیوند این جنبش با دیگر جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش‌های دانشجویی، سندیکایی و کارگری، پرستاران، معلمان و در تمامی مبارزات عدالت خواهانه و آزادی خواهانه مردم میهنمان نشان از رشد و ارتقاء مطالبات و رشد سطح آگاهی‌ها و بلوغ اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان کشورمان دارد.

جمهوری اسلامی با کاربست ترفندهایی همچون؛ طرح مسئله بد حجابی، طرح خانه‌نشینی زنان، سهمیه بندی جنسیتی و ایجاد محدودیت‌های اجتماعی (شغلی تحصیلی) می‌کوشد از ارتقاء سطح مطالبات زنان جلوگیری نماید. حاکمیت از تعمیق خواست‌های زنان و رشد مطالبات صنفی و طبقاتی در بین زنان در هراس است. جلوگیری از برگزاری روز ۸ مارس روز جهانی زن و برخوردهای خشونت‌آمیز با زنان، هتک حرمت، توهین، افتراء، احضار و بازجویی‌های مکرر، تعلیق و اخراج از کار و ... دقیقاً بدین منظور بکار گرفته می‌شود.

شکل‌گیری اتحادهای وسیع اجتماعی حول محور مطالبات و خواسته‌های زنان، شکل‌گیری کمپین یک میلیون امضاء و کمپین منع سنگسار، راه کارهای متقابل جنبش زنان برای غلبه و عبور از موانعی است که جمهوری اسلامی بانی آن می‌باشد. امید آنکه با ادامه و تداوم این جنبش و تعمیق خواسته‌های آن با همبستگی و یکپارچه‌گی بتوانیم از دستاوردهای آن پاسداری کرده و در بردن این خواسته‌ها به درون جامعه و لایه‌های مختلف اجتماع موفق باشیم.

ای زن، ای حضور زندگی،

به سر رسید زمان بندگی.

رهایی زنان ممکن است،

تلاش ما سازنده این است.

این صدای آزادی است،

این طغیان آگاهی است.

“جهان دیگری ممکن است”

این جنبش سازنده این است.

رفع ستم جنسی، در گرو مبارزه علیه سرمایه‌داری و ارتجاع حاکم

نگاهی متفاوت به مبارزات کارگران هفت تپه*

سرمایه داری در میان چرک و خون و کثافت بدنیا آمد.

سرمایه داری جهانی همانطوریکه سیاست های توسعه طلبانه خود را در قرنهای ۱۸ و ۱۹ زیر نام آبادسازی و ترمیم بنیانهای اقتصادی پیش می برد، بعدها از طرح هایی چون طرح مارشال، طرح مونروته و در ایران طرح ترومن و ... استفاده می کرد. امروز هم پروژه خصوصی سازی و در ابعاد وسیع تر جهانی سازی ابزار سرمایه داری برای تحقق خواسته های خود بشمار می رود. حکومت جمهوری اسلامی نیز در دفاع از منافع سرمایه داری با پیگیری سیاست خصوصی سازی و اجرای وارونه اصل ۴۴ قانون اساسی، هم گام با نهادهای سه قلوئی سرمایه داری جهانی - بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی - دقیقاً در همان راستای جهانی سازی که به غارت و چپاول مردم محروم و تمام ثروتهای ملی ایران انجامیده گام برمی دارد. نتیجه سیاست خصوصی سازی؛ از بین رفتن زیر ساختهای موجود

صنعتی و تولیدی و کشاورزی و گسترش بیکاری شده است. رشد ناهنجاریهای اجتماعی از پی امدهای این روند مخرب می باشد.

طبقه کارگر ایران و سایر زحمتکشان شهر و روستا، اکثر مزد بگیران قربانیان مقدم اجرای سیاست های نئولیبرالی هستند. به همین علت هر روز شاهد اوج گیری اعتراضات و اعتصابات کارگری می

باشیم. از طرفی دیگر گسترش دامنه اعتصابات خود موجب ارتقاء آگاهی و قدرت رزمندگی کارگران و زحمتکشان شده و در گسترش اعتصابات ایفای نقش می کند. اعتصاب اخیر کارگران هفت تپه نیز دقیقاً در همین راستا ارزیابی می شود. بعلت حاکم بودن سیاست های دلالی و واردات بی رویه شکر توسط آیات اعظام از جمله داماد آیت الله مکارم شیرازی و ... صنایع تولیدی شکر در ایران با صدها هزار کارگر خود رو به نابودی می روند. این فرجام شوم پی مد قابل انتظار تمامی صنایعی است که شمول سیاست خصوصی سازی شده اند.

در طول دو سال اخیر بیش از ۱۱ اعتصاب گسترده و در اکثر موارد موفق صورت گرفته، که اعتصاب اخیر کارگران نیشکر هفت تپه را هم در این روند تکاملی می توان ارزیابی نمود. نزدیک به دو ماه از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه می گذرد. این اعتصاب جنبش کارگری و مبارزه طبقاتی کارگران ایران را وارد مرحله نوینی ساخته، که "نشان از خیزش طوفانی بادهای شرق دارد." در تاریخ یکصد ساله مبارزات کارگری ایران - بجز مقطع انقلاب ۵۷ - اعتصابی با این مشخصات را شاهد نبوده ایم. مدت اعتصاب، کیفیت و گستردگی آن بی سابقه بوده است. تداوم اعتصاب آگاهی و رزمندگی کارگران هفت تپه را به چنان درجه ای رشد داده که هزاران کارگر بطور علنی و مصمم از حقوق صنفی و سندیکای خود دفاع می کنند. کارگران با کشاندن دامنه اعتراضات از محیط کارخانه به شهرها همبستگی مردم زحمتکش منطقه علی الخصوص شهرهای دزفول، شوش و اندیمشک را که زندگی اکثرشان بگونه ای بسیار مؤثر با سرنوشت کارخانه و کارگران آن پیوند خورده است، را برانگیخته اند. با این اقدام کارگران تنها به سازماندهی خود بسنده نکرده، بلکه عملاً در راستای سازماندهی سایر زحمتکشان هم گام برمی دارند. شواهد حاکی از آن است که در این امر تا حدود زیادی هم موفق بوده اند. اعتصاب کارگران هفت تپه بار دیگر نشان داد؛ "هر اعتصابی اندیشه سوسیالیستی را در ذهن کارگران رسوخ می دهد، اندیشه مبارزه تمام طبقه کارگر برای آزادی از ستم سرمایه " وای.لنین"

صنایع نیشکر خوزستان شامل کارخانه های نیشکر هفت تپه، شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون، شرکت کشت و صنعت نیشکر خوزستان و صنایع جانبی مجموعاً دارای ۳۰ هزار کارگر می باشد و بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم زحمتکش منطقه بطور مستقیم و یا ارتباط تنگاتنگ با کارخانه های فوق ارتزاق می نمایند. به بیانی دیگر سرنوشت مردم منطقه با سرنوشت کارخانه و کارگران پیوندی ناگسستنی و جدایی ناپذیر دارد.

خوزستان همواره جایگاه بسیار مهمی در جنبش کارگری میهن مان داشته و سابقه مبارزات کارگری و سندیکایی دیرینه ای را داراست. ما قبلاً نیز شاهد اعتصابات بزرگی در خوزستان بخصوص در صنایع نفتی بوده ایم. اعتصابات کارگران نفت خوزستان در آبان ماه



۱۳۰۸ و ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ برگ های زرینی از مبارات کارگری کشورمان می باشد. در آن اعتصابات نیز همبستگی توده های زحمتکش منطقه را شاهد بودیم، که با سرکوب کارگران اعتصابی و کشتار مردم، خانواده ها و بچه های کارگران همراه بود. آگاهی کارگران از آن دو اعتصاب، آنها را با تجارب تاریخی کارگران خوزستانی آشنا خواهد ساخت:

در نتیجه شرایط کاری نامساعد و غیر انسانی که "عملاً به بردگی شباهت داشت"، در روز کارگر ۱۳۰۸ یازده هزار کارگر پالایشگاه نفت با درخواست افزایش دستمزدها، ۸ ساعت کار روزانه، پرداخت حقوق تعطیلات سالانه، خانه های سازمانی و به رسمیت شناخته شدن اتحادیه ها دست به اعتصاب زدند. هرچند که شرکت نفت دستمزدها را افزایش داد، ولی نیروی دریای انگلیس به سرکوب کارگران و مردم حمایت کننده و خانواده آنان پرداخت و نزدیک به ۵۰۰ کارگر را دستگیر کردند، که پنج تن از رهبران اعتصاب تا سال ۱۳۲۰ در بازداشت باقی ماندند.

بیش از ۷۰ هزار کارگر ایرانی و هندی اعم از زن و مرد، در ۲۳ تیر ماه ۱۳۲۵ در سراسر نواحی نفت خیز خوزستان در آبادان، مسجد سلیمان، آقاجاری، دارخوین و کوت عبدالله و هفت گل، اهواز، بندر معشور و گچساران دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران که تحت رهبری شورای متحده کارگری

خوزستان این اعتصاب را راه انداخته بودند، اجرای قانون کار مصوبه اردیبهشت همان سال، اضافه دستمزد، حق مسکن و بازگشت بکار کارگرانی که توسط شرکت نفت ایران و انگلیس اخراج شده بودند. هرچند کارگران توانستند به موفقیت به اکثر خواست های خود از جمله افزایش دستمزدها مطابق مصوبه قانون کار و دریافت جمعه کاری دست یابند، ولی ارگانهای سرکوب شاه با کشتن ۵۰ نفر و زخمی کردن ۱۷۳ نفر از اعتصابیون و مردم زحمتکش منطقه، این اعتصاب را هم به خاک و خون کشیدند. از این واقعه در تاریخ ادبیات کارگری با نام "حماسه ۲۳ تیر" یاد می شود.

پس از اعتصاب اخیر کارگران هفت تپه حمایت های کارگری از اعتصابیون در حال گسترش است. در طول اعتصاب بیانیه هایی از طرف کارگران مجتمع های بزرگی مانند صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، ذوب آهن، ایران خودرو و کارخانجات مجاور و همگون در حمایت از کارگران اعتصابی را شاهد بودیم. ولی باید اذعان داشت این گونه اشکال حمایتی فقط در حد بالا بردن روحیه مقاومت و ایستادگی کارگران اعتصابی می تواند مؤثر باشد. ولی به لحاظ همبستگی عملی در راستای مطالبات کارگری و تعمیق مبارزات طبقه کارگران علیه سرمایه، اشکال تکامل یافته تر و منسجم تری را مطالبه می نماید. نبود تشکل سراسری کارگری اصلی ترین ضعف جنبش کارگری ایران در مقطع کنونی بشمار می رود. تشکلی که بتواند حرکت و اتحاد پایدار جنبش کارگر را در سطحی وسیع تر برنامه ریزی و هدایت نماید، ارتباط متقابل با احزاب و سازمانهای کارگری میهنمان را شکل داده و در عرصه بین المللی نیز بتواند متحدین طبقاتی خود را در پیکار علیه سرمایه داری جهانی تشخیص دهد.

امروز مسئولیت سنگینی بر دوش کارگران پیشرو و احزاب و سازمانهای مدافع طبقه کارگر قرار دارد. یکه تازی سرمایه داری از برکت وجود جمهوری اسلامی مشکلات بسیاری را در طول سالیان سال بر روی هم انباشته که به دملی چرکین مبدل شده، که باید برداشته شود. خوشبختانه رشد مبارزات طبقاتی کارگری که در دهه های اخیر بی سابقه بوده است، می تواند بستر مساعدی را برای این امر فراهم سازد. این خصم مشترک مبارزه متحدانه ای را طلب می کند. خارج از خواست ما مبارزه طبقاتی جریان دارد و طبقه کارگر ایران در این پیکار آبدیده می شود و فارغ از دغدغه های روشنفکری در عرصه پیکار اتحاد و همبستگی طبقاتی خود را شکل می دهد. احیای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و انتخاب هیئت مؤسس آن در روزهای اخیر اقدامی مثبت و عملی در این راستا می باشد.

* این مقاله از طریق ایمیل بدستمان رسیده است.

از مبارزه کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری حمایت کنیم

اخبار و رویدادهای مهم ایران و جهان در دو ماه گذشته

اول ماه مه در ایران

در مقطع اول ماه مه امسال، حکومت اسلامی کلیه نیروهای سرکوبگر خود را به حال آماده باش درآورد تا مانع برگزاری این روز جهانی کارگران شود. ولی علیرغم فشارهای امنیتی کارگران کشورمان در اکثر نقاط کشورمان با برگزاری مراسم و تجمعات کارگری این روز را گرامی داشتند.

- کارگران نیشکر هفت تپه در محوطه این شرکت، مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کردند.

- تجمع کارگران تهرانی در پارک چیتگر به دستگیری تعدادی از کارگران منجر شد. مراسم دیگری را هم که با حضور بیش از ۳ هزار نفر در "سالن ورزشی خیبرالعمل" پونک برگزار گردید، به صحنه اعتراضی علیه سیاست‌های چپاولگرانه دولت علیه کارگران تبدیل کردند.

در مراسم خانه کارگر از حضور فعالان کارگری تهران، ممانعت بعمل آوردند.

- کارگران کارخانه‌های "لوله و پروفیل ساوه"، "نورد" و "لوله صفا" در پی تعطیلی کارخانه با حضور در پارک جهان نمای کرج سرود انترناسیونال را طنین انداز کردند.

- در شهر سمنان، مراسمی با شرکت جمع کثیری در مقابل سازمان تامین اجتماعی در چهار راه سیروس این شهر برگزار شد.

- در سقز هزاران نفر از کارگران، جوانان معلمان و ... در میدان "هلو"، تجمع کردند.

- در سمنان، جمع کثیری از کارگران در مقابل خانه کارگر تجمع کردند.

- در عسلویه مراسمی در سه راه "نخل تقی" برگزار شد. که ماموران انتظامی ضمن ممانعت

از ادامه مراسم "جوانمیر مرادی" از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را بازداشت کردند.

اعتصاب در نیشکر هفت تپه

بیش از ۳۰۰۰ نفر از کارگران شرکت نی شکر هفت تپه از روز دو شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷ در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه ی ۲ ماه اخیر خود مجددا دست به اعتصاب زده اند، که همچنان ادامه دارد. خواسته های کارگران شرکت کننده در این اعتصاب عبارتند از: ۱- پرداخت حقوق معوقه ۲- حق داشتن سندیکای مستقل کارگری ۳- پایان دادن به پرونده سازیها و احضار فعالین کارگری به دادگاه انقلاب ۴- برکناری مدیر عامل شرکت که آخوندی بنام یعقوب شفیعی و اعضاء هیئت مدیره ۵- برکناری رئیس حراست شرکت فردی به نام زبیداری که در سرکوب و جاسوسی و پرونده سازی علیه کارگران نقش مستقیم دارد.

با ادامه اعتصاب هر روز بر تعداد اعتصابیون افزوده می شود. در ادامه اعتصاب کارگران روز پنج شنبه ۲۶ اردیبهشت همراه با خانواده های خود از فرمانداری شوش به سمت بازار شهر راهپیمائی کردند. در طی مسیر نیروهای انتظامی به صورت وحشیانه ای به کارگران یورش می برند و خانواده ها و بچه های خرد سال آنها را آماج باتوم های خود قرار می دهند. برای سرکوب کارگران اعتصابی و مردم حامی آنها نیروهای گارد ویژه از شهرهای خرم آباد، اهواز و دزفول به شهر شوش گسیل شده اند. بطوریکه مرکز شهر، بازار، فرمانداری و خیابانهای اصلی شهر به اشغال نیروهای نظامی درآمده بود. کارگران در اقدامی دیگر سه شنبه ۲۸ خرداد ماه به همراه خانواده هایشان جاده ترانزیتی اهواز - اندیشمک در نقطه سه راه خوانساری شوش مسدود نمودند.

جمعی از کارگران طرح نیشکر هفت تپه بعد از سالها اعتراض، نامه نگاری و مراجعه به اداره کار خوزستان برای پیگیری مطالبات خود طی فراخوانی تصمیم به بازگشایی سندیکای کارگران شرکت طرح نیشکر هفت تپه گرفتند. بدنبال این فراخوان کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه روز دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ طی انتخاباتی در محل کارخانه آقایان فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، علی نجاتی، رحیم بسحاق، محمد حیدری مهر، قربان علی پور، نجات دهلی و علی شریفی را بعنوان اعضای هیات موسس اولین سندیکای کارگری خود تایید کردند.

کارگران کارخانجات لوله سازی اهواز، ایران خودرو، شرکت کشت و صنعت کارون، شرکت کشت و صنعت خوزستان و صنایع جانبی و سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه حمایت خود را از کارگران اعتصابی اعلام نموده اند. کمیته پی گیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری نیز کمپینی را در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه به راه انداخته است. در استرالیا نیز کمپین حمایت از اعتصاب و مطالبات آنها برگزار گردید. این روند همچنان ادامه دارد.

حوادث کارگری

حاجی قاسمی رییس سازمان کار استان تهران: از مجموع ۷۵۰ مورد حادثه رخ داده در بخش کارگران ساختمانی طی سال گذشته حدود ۲۴۰ نفر فوت شدند

اسانلو

آقای منصور اسانلو که پس از بازگشت از لندن و انجام ملاقاتهایی با سازمانهای کارگری دستگیر و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده بودند، بعلت وارد شدن ضربه به سر و نقاط حساس در حین بازجویی با آسیب دیدگی جدی در قریه چشم شده اند، برای عمل جراحی بر روی چشم چپ به بیمارستان منتقل شد. آقای اسالو با دست بند و پابند توسط ۳ مأمور مسلح همراهی میشدند. در پی ناراحتی قلبی به بخش سی سی یو بیمارستان منتقل و در تاریخ ۲۷۸/۳/۱۳۸۷ از بخش مراقبتهای ویژه به بهداری زندان اوین منتقل گردید. نمایندگان شرکت کننده در اجلاس سازمان جهانی کار با امضای نامه ای خواستار آزادی منصور اسانلو گردیدند.

اعتراضات معلمان

- بیش از ۶۰۰ نفر از معلمان و فرهنگیان استان کردستان، ۱۲ اردیبهشت ماه در محوطه اداره آموزش و پرورش مرکزی سمنان در خیابان "اکباتان" دست به تجمع زدند. شرکت کنندگان در این تجمع با طرح خواسته هایی چون "پاداش سی ساله حق مسلم ماست" همبستگی خود را با تمام فرهنگیان کشور، با کارگران و هم چنین "فرزاد کمانگر" معلم محکوم به اعدام اعلام کردند.

- بیش از ۵۰۰ تن از معلمان بازنشسته استان کرمانشاه، که برای سومین بار دست به تجمع زده بودند روز ۱۲ اردیبهشت ماه در مقابل اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه تجمع کردند و خواستار پرداخت پاداش پایان خدمت خود به صورتی نقدی و رسیدگی به مشکلاتشان شدند آنها همچنین وعده های دروغین مسئولین دولتی را محکوم کردند.

ادامه سرکوب زنان

بمناسبت ۲۲ خرداد، روز همبستگی زنان تعدادی از فعالان زنان در نظر داشتند طی مراسمی در گالری راه ابریشم تهران این روز را گرامی بدارند. نیروی انتظامی با حضور در محل و بستن درهای محل تجمع هشت نفر از فعالان جنبش زنان خانها نسرين ستوده، آیدا سادات، جلوه جواهری، ناهید میرحاج، سارا لقمانی و نفیسه آزاد، فریده غائب و ژیلای بنی یعقوب را بازداشت و پس از بازجویی و بامداد روز جمعه به قید ضمانت آزاد کردند. بدنبال این بازداشتها ماموران امنیتی به منازل تعداد دیگری از فعالان زنان از جمله پروین اردلان و سوسن طهماسبی مراجعه کردند. گزارشگران بدون مرز در یک بیانیه مطبوعاتی به این بازداشت ها اعتراض کرد. همچنین تعداد ۱۲۰۰ نفر از فعالان جنبش زنان طی بیانیه ای از خواسته های زنان میهنان حمایت کردند. فشارها به فعالان جنبش زنان همچنان ادامه دارد، محبوبه کرمی از اعضای کمپین یک میلیون امضاء در حین جمع آوری امضاء دستگیر می شود. در اردیبهشت ماه حداقل تعداد ۱۴ سایت اینترنتی مدافع حقوق زنان مسدود شد.

گرانی

بانک مرکزی نرخ تورم سال ۸۶ را حدود ۲۰ درصد اعلام کرده بود. که در اردیبهشت ۸۷ از مرز ۳۰ درصد نیز گذشته است. ایران اکنون جزو ۵ کشور جهان است که بالاترین نرخ تورم را دارند. تنها ۴ کشور اریتره، گینه، میانمار و زیمبابوه تورمی بیش از ایران دارند. طبق گزارش کمسیون اجتماعی مجلس و دست اندرکاران خانه کارگر در مدت ۳۰ سال حکومت جمهوری اسلامی قیمت اجناس و مواد مصرفی مردم و کارگران ۱۰۲ برابر شده ولی دستمزد کارگران ۵۲ بار افزایش یافته است.

دکتر حسین راغفر، تدوین گر نقشه جغرافیایی فقر کشور، خط فقر مطلق (شدید) سال ۸۶ کشوری را بر حسب توزیع درآمد و مصرف خانوار، ۴۰۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: خط فقر شدید استان تهران، برای یک خانوار پنج نفره در سال گذشته، ۶۵۰ هزار تومان، خط فقر مطلق هم، حداقل ۷۷۰ تا ۷۸۰ هزار تومان بوده است. ارقام فوق بیانگر رشد سالانه ۱۸ درصدی خط فقر در کشور است.

خانم ای رهبر حکومت اسلامی با فرافکنی مدعی شد که تورم و گرانی در همه جای دنیا وجود دارد و مساله ای مربوط به ایران نیست. او با اشاره به بحران مواد غذایی در سطح جهان و اینکه سازمان ملل نیز در جهان بحران غذایی اعلام نموده، کوشید با این طرز

سقوط کرد. تظاهرات کنندگان جاده ها را مسدود کردند و کامیونهای حامل برنج را متوقف و آنرا بین گرسنه گان تقسیم و توزیع کردند، و هزاران نفر بسوی قصر ریاست جمهوری با شعار "ما گرسنه ایم" مارش رفتند.

* در ۱۲ آوریل ۲۰۰۸ در "دهاکا" در بنگلادش بیش از بیست هزار کارگر نساجی بر علیه گرانی کالاهای مصرفی و برای افزایش دستمزد بپا خواستند. قیام کارگران با سرکوب پلیس و مداخله ارتش و بجای گذاشتن یکصد زخمی در هم شکست.

* در مصر، ممکن است "انقلاب گرسنگان" درگیرد. کشور در تب و تاب است. حرکت های اعتصابی رو به گسترش اند. در ماه های گذشته، بهای مواد غذایی در این کشور، افزایش انفجاری داشته است.

روز جهانی کارگر

* اول ماه مه امسال، در فضایی متفاوتی نسبت به سال های قبل برگزار شد. جوهر طبقاتی شعارها و سخنرانی ها رادیکال تر از گذشته بود. هم چنین کمیت شرکت کنندگان در همه کشورها نسبت به سال قبل بالاتر رفته بود.

از مشخصه های بارز امسال برگزاری این روز در کشورهایی چون افغانستان، عراق، کنگو و ... بود. همچنین پس از سالها انفعال و گرفتن حالت تدافعی امسال کارگران جهان از موضع تعرضی این روز را برگزار کردند. که یادآور رزمندگی کارگران اواخر قرن نوزدهم بود. تظاهرات کارگران استانبول، برلین، جاکارتا، مسکو، مهاجرین پاریس، کینشاسا و لومباشی و ... حاکی از بازیابی روحیه مبارزاتی کارگران و گسترش دامنه این مبارزه به تمام نقاط جهان داشت.

بدین ترتیب، کارگران در صفوف با شکوهی در روز اول ماه مه در خیابان ها و میدانی کشورهای دنیا با راهپیمایی و تجمع از یک سو، قدرت طبقاتی خود را به نمایش گذاشتند و از سوی دیگر، رهبران و سخنرانان این تجمعات مشکلات جامعه و به ویژه کارگران را طرح کردند و خواهان تحقق خواست ها و مطالبات بر حق کارگران و مردم محروم جهان شدند. مهار گرانی و تورم سرسام آور، کاهش قیمت مواد غذایی، بیکاری و ایجاد اشتغال، استخدام رسمی، افزایش دستمزدها، کاهش شدت کار، کاهش ساعات کار، بهبود شرایط شغلی، تأمین امنیت شغلی، رفع فقر، خاتمه دادن به جنگ عراق و افغانستان، خاتمه دادن به محاصره نواره غزه و باریکه رود اردن، خروج از مقوله نامه تجارت آزاد، مخالفت با خصوصی سازی و ... از جمله مسایل مهمی بودند که سخنرانان اول ماه مه بر روی آن ها انگشت گذاشتند.

* در ادامه فشارهای دولت ترکیه به فعالین سندیکایی، تعدادی از کارگران عضو سندیکای توتیمیز ترکیه را در پی برگزاری مراسم اول ماه مه دستگیر و به زندانی در آنکار منتقل نمودند. این کارگران روز ششم ژوئن برابر با ۱۷/۳/۱۳۸۷ در دادگاهی در آنکارا محاکم و در نتیجه فشارهای بین المللی کارگران که کارزار وسیعی را برای آزادی آنان براه انداخته بودند، تبرئه و آزاد شدند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه طی پیامی بمناسبت این پیروزی به کارگران ترکیه شادباش گفت.

* چهارمین کنفرانس بین المللی اتحادیه های کارگری در ۲۳ تا ۲۵ مه (۲۰۰۸) در گونن ترکیه با حضور اتحادیه های کارگری، فعالان اتحادیه های کارگری، و کارگران پیشرو از ۱۴ کشور مختلف برگزار شد. این کنفرانس همبستگی خود را با همه ی کارگران در حال اعتصاب در سراسر جهان بویژه با: کارگران هفت تپه در ایران؛ کارگران توزلا، یورسان، و ت.ای.جی.آ. در ترکیه؛ و کارگران فیات و آلفا رومئو در ایتالیا اعلام نمود. همچنین کنفرانس خواهان آزادی فوری کارگران اعتصابی دستگیر شده در مبارزه ی محلا در مصر، و منصور اسانلو در ایران است

پیروزی کمونیست های نیال

کمونیست های نیالی، پس از ده سال مبارزه مسلحانه و دو سال مبارزات پیگیر توده ای موفق شدند، تشکیل مجلس موسسان را به شاه نیال تحمیل کنند. در انتخاباتی که روز پنج شنبه ۱۰ آوریل برگزار گردید. حزب کمونیست - مائویست نیال اکثریت آرای مردم را به خود اختصاص داد. این حزب توانست سه برابر بیشتر از حزب کنگره، بزرگترین حزب بورژوازی و فرمیست نیال، آرای مردم را به سمت خود جلب کند. پیروزی قاطع کمونیست های نیالی از یک سو و از سوی دیگر، حضور کمونیست ها در پارلمان هند و موضع گیری قاطع ضد آمریکایی از سوی آنان، نشان از گردش به چپ در منطقه دارد.

استدلال خود به مردم بگوید که گرانی و تورم و زندگی کمرشکن، فقط منحصر به آن ها نیست و ناشی از "مشکلاتی جهانی" می باشد.

تظاهرات در مشهد و تهران

در پی گرانی های اخیر هر روز شاهد اعتراضات مردمی هستیم. تجمع اعتراضی مردم تهران در پارک ملت و تجمع روز جمعه ۲۴ خرداد در مشهد که با حضور بیش از ۸ هزار نفر از مردم شهر و با شعار "مرگ بر دیکتاتور" علیه موج فزاینده ی گرانی ها و اختناق در ایران تظاهرات کرده، خواهان برکناری دولت احمدی نژاد شدند. بیش از ۲۰۰ تن از مردم عادی و ۵ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بازداشت شدند. در دانشگاه فردوسی مشهد نیز تظاهرات دانشجویی با حضور بیش از ۱۰۰۰ تن از دانشجویان برای آزادی بازداشت شدگان ۲۴ خرداد صورت گرفت.

افشاگری یک مقام قضایی

افشاگری عباس پالیزدار از غارت سرمایه های ملی توسط عوامل حکومتی خصوصاً روحانیون حاکم و آیات اعظام و مراجع تقلید دارد. این افشاگری که به درگیری های درون حکومتی برمی گردد. از اختلاص های بی حد و حساب سران حکومتی از جمله آیت الله امامی کاشانی (امام جمعه موقت تهران)، آیت الله یزدی یزدی (رئیس سابق قوه قضاییه و دبیر جدید جامعه روحانیت حوزه علمیه قم و نماینده مجلس خبرگان رهبری از قم)، قضات قوه قضاییه، "بنیاد نهج البلاغه" که اعضای آن آقایان ناطق نوری، رفیق دوست، عسگرالادی، حسین دین پرور و معزی هستند، همینطور به "بنیاد همگرایی اندیشه" که متعلق به فلاحیان (وزیر اطلاعات سابق) و آیت الله علم الهدی (امام جمعه مشهد)، آیت الله واعظ طبسی (تولیت آستان قدس رضوی)، آیت الله خزعلی (عضو فقهای شورای نگهبان)، آیت الله مصباح یزدی و آیت الله مکارم شیرازی (از آیات اعظام)، خانواده هاشمی رفسنجانی، او همچنین به سقوط عمدی هواپیمای رحمان دادمان و کاظمی اشاره نمود.

اعتراضات دانشجویی

* دانشگاه های کشور در تلاطم و التهاب بسر می برند. گزارش های منتشر شده حکایت از اعتصابات و تحصن های دانشجویان دارد. در دوماه گذشته دارد. تحصن و اعتصاب غذا دانشجویان دانشگاه سهند در اعتراض به تعرض یکی از کارکنان حراست دانشگاه به یکی از دانشجویان دختر، اعتراض دانشجویان دانشگاه کرمانشاه به مسئله اخلاق مسئولین دانشگاه، اعتراض و تحصن دانشجویان زنجان به معاونت دانشجویی که قصد تجاوز به یکی از دانشجویان دختر را داشت، تحصن و اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه تربیت معلم کرج که با طرح خواست های صنفی برکناری معاونت فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه، برکناری معاونت آموزشی دانشگاه و عذرخواهی کتبی ریاست دانشگاه از دانشجویان و خانواده ها آنان به دلیل اتهام های نادرست را خواستار بودند، تجمع دانشجویان دانشکده های شریعتی، ولیعصر و شمسی پور در اعتراض به سیاست های وزارت علوم مبنی بر تغییر ساختار علمی این دانشکده ها و تبدیل آنها به آموزشکده و تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه فردوسی در اعتراض به بازداشت تعدادی از دانشجویان این دانشگاه در در حوادث ۲۴ خرداد مشهد از جمله ای ن موارد بود.

* همچنین در روزهای اخیر دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب که با تودیع وثیقه های هنگفت موقتاً آزاد شده اند، در اقدامی ایذائی توسط مأموران اطلاعاتی با تماس های تلفنی تهدید می شوند

بحران مواد غذایی

* تشدید بحران گرسنگی بر اثر بالا رفتن قیمت مواد غذایی کشورهای پیرامونی را فراگرفته است. بنابر آمار بانک جهانی، بهای مواد خوراکی در سه سال گذشته در سطح جهانی ۸۳ درصد افزایش داشته است، قیمت ماده ای اساسی چون گندم ۱۸۱ درصد. از بیش از ۶ میلیارد انسانی که امروز در جهان زندگی می کنند طبق بر آورد سازمان ملل تقریباً یک میلیارد از آنها از گرسنگی مزمن در عذابند. شمار کل انسانهایی که از عدم امنیت غذا، آنها را به سوءتغذیه روبرو هستند یا از مواد مقوی غذایی بی بهره اند احتمالاً سه میلیارد یعنی نصف رقم بشریت می باشد. این امر غرب را به فکر انداخته است تا سقوط دومینووار دولت های آمریکای لاتین به دامن احزاب چپ گرا، این بار در آسیا تکرار نشود. گرانی مواد غذایی در چندین کشور باعث شورش شده است.

* در هائیتی در روز ۱۲ آوریل دولت نخست وزیر، ژاک ادوارد آلکسیس، به دلیل گرانی

مروری بر حوادث ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

بخصوص در بین روشنفکران خود را آشکار ساخت. روحانیون سنتی تزلزلی را در باورهای مذهبی و دیدگاههای فلسفی خرده بورژوازی شهری بخصوص جوانان و دانشجویان احساس نمودند. برای جلوگیری از سوق یافتن جوانان به سوی مادی‌گری و رادیکالیسم اجتماعی سیاسی حرکتی را در دانشگاهها و محیطهای روشنفکری آغاز نمودند. روشنفکران دینی آن روز به همراه بخشی از روحانیت متوجه شدند، اگر محتوای اسلام را در ظرفهای بیانی و علمی مناسب با زمان خویش تجدید و مطرح ننمایند، ظرف و مظهر هر دو با هم صدمه خواهند دید. حسینه ارشاد و شریعتی و مطهری تلاش جناح‌های مذهبی برای کاستن از رشد مارکسیسم و رادیکالیسم مذهبی در محیطهای روشنفکری و دانشگاهها بودند.

گریز ما به تاریخ یکصد سال اخیر ایران در تحلیل واقعه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در حقیقت یاری گرفتن از حافظه تاریخی برای تبیین این واقعیت است، که ۳۰ خرداد نتیجه اقدامی توطئه‌گرانه و از پیش طراحی شده محض نبوده است. بلکه این حادثه ریشه در حوادث و فرایندهای اجتماعی تاریخی پیش از خود دارد. تلاش ما برای ریشه یابی و بیان این حقیقت بوده است که مبارزات دمکراتیک و عدالت خواهانه کشورمان همواره از تشت و پراکندگی رنج برده. مروری بر تاریخ یکصد ساله اخیر میهنمان آشکارا بیانگر برخوردهای غیرمنطقی نیروهای سیاسی با یکدیگر در دوره مشروطیت، نهضت جنگل، در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۲ و ... می‌باشد. متأسفانه جریانی که در ۳۰ خرداد سال ۶۰ رخ داد، تکرار منطقی همان ضعف تاریخی جنبش‌های اجتماعی سیاسی کشورمان می‌باشد.

مجاهدین خلق نمود بارز دوگانگی مورد نظر بود. این دوگانگی از باور آنها به مذهب و اسلام و استفاده عاریتی از برنامه‌های اجتماعی اقتصادی مارکسیسم برای پاسخ دادن به نیازهای عدالت خواهانه و رادیکالیسم حاکم بر اعضاء و هوادارانش ناشی می‌گردید. بخاطر وجود این دوگانگی آشکار زمینه مساعدی برای نفوذ مارکسیسم در صفوف مجاهدین فراهم بود و مجاهدین خلق تاوان زیادی برای این دوگانگی پرداخت نمودند. بزرگترین تاوان آنها انشعاب همراه با تسویه‌های خونین سال ۵۴ بود، که منجر به تشکیل سازمان پیکار گردید. این واقعه مشکلات فراوانی را در داخل سازمان و بیرون از آن بوجود آورد. از طرفی رژیم شاه با دستاویز قرار دادن آن و زدن انگ مارکسیست‌های اسلامی به مجاهدین خلق سعی در تضعیف نیروهای رادیکال مذهبی و جدا سازی مجاهدین از دیگر نیروهای چپ داشت. از طرفی دیگر شریعتمداران و مرتجعینی همچون هیئت‌های مؤتلفه اسلامی و روحانیت سنتی با مستمسک قرار دادن آن در پی تسویه حساب با نیروهای مذهبی رادیکال و عدالت خواه و روشنفکران دینی و مارکسیست‌ها برآمدند.

در این میان نقش مخرب امپریالیسم را نباید فراموش نمود. جهان سرمایه در وجود مجاهدین رادیکالیسم اجتماعی و سیاسی را مشاهده می‌نمود و بخوبی آگاه بود که مبارزه با این نیروی رادیکال که از پوشش مذهبی هم بهره‌مند است، به راحتی مبارزه با نیروهای چپ و حزب توده نیست. آنها در استفاده از باورهای مذهبی مردم برای مبارزه علیه مجاهدین خلق خلع سلاح شده بودند. از این رو تنها راه ممکن استفاده از نیروی مذهبی دیگری بود که بتواند این سلاح مجاهدین را خنثی سازد. روحانیت و نیروهای محافظه‌کار و قشری مذهبی بهترین گزینه امپریالیسم بدین منظور بشمار می‌رفت. انشعاب خونین مارکسیست‌ها در سال ۵۴ هم هدیه‌ای گرانبها برای پیشبرد این سیاست بود. اشتباه رهبری مجاهدین در بعهده‌گیری انفجارها و ترورهایی که بعضاً ارتباطی به نیروهای مجاهدین نداشت، عامل دیگری بود که امپریالیسم و عوامل آن در داخل برای استتار خود و هدایت آن بسوی مجاهدین استفاده می‌کردند. متأسفانه بابت سودی که امپریالیسم و جناح‌های متخاصم حکومتی می بردند، مجاهدین تاوان می‌پرداختند.

اما مهم‌ترین تاوان مجاهدین تسویه حسابی بود که از ۳۰ خرداد سال ۶۰ شروع و تا سال ۶۷ بشدت ادامه یافت. تحلیلی خوشبینانه بیانگر آنست که اگر جمهوری اسلامی در آن مقطع با حوصله و دوراندیشانه با قدرت گیری مجاهدین خلق برخورد می‌نمود، چه بسا می توانست در مدتی نه چندان طولانی از پتانسیل توانمند مجاهدین خلق که ایدئولوژی مشترکی با هم داشتند، بهره ببرد. تحلیل فوق از درک این واقعیت عاجز است که رهبران جمهوری اسلامی بنا به خاستگاه اجتماعی خود و کینه‌هایی که قبل از انقلاب از نیروهای چپ و مجاهدین خلق داشتند، نمی‌توانستند چنین سیاستی را پیش ببرند. مجاهدین خلق ایستگاه تجمع نیروهایی بود که گرایشی به برنامه‌های اجتماعی چپ و بطور کلی برابری و عدالت اجتماعی داشتند، ولی نتوانسته بودند از باورهای مذهبی خود خلاصی یابند. و این برای روحانیت سنتی و نیروهایی هم‌چون مؤتلفه اسلامی غیر قابل تحمل بود.

هنگامی که این کینه تاریخی با وظیفه‌ای که از مدت‌ها قبل برای ایجاد کمربند سبز دور کشورهای سوسیالیستی به عهده نیروهای مذهبی سنتی و روحانیت ایران گذاشته شده بود، و در جلسه گوادلوپ شکل عینی بخود گرفت، همراه گشت، رژیم جمهوری اسلامی عامدانه نیروهای جوان و کم تجربه مجاهدین خلق را به ورطه‌ای هدایت نمود، که فرجامی جز سرکوب و نابودی در پی نداشت.

بی‌شک واقعه ۳۰ خرداد سال ۶۰ نقطه عطفی در مبارزات دمکراتیک ایران و انحرافی از انقلاب ۵۷ محسوب می‌گردد. پرداختن به این موضوع و ریشه‌یابی علل آن هنوز هم نیاز مبرم جنبش دمکراتیک و عدالت خواهانه کشورمان می‌باشد. سالها قبل از انقلاب ۵۷ چه در زندانها و چه بیرون از زندان روابط مجاهدین خلق با دیگر جناح‌های مذهبی خصوصاً روحانیت رو بسردی گرائیده بود. که در ادامه خود واقعه ۳۰ خرداد ۶۰ را ببار نشست. که در تاریخ مبارزات سیاسی کشورمان یک حادثه بسیار غم انگیز و مصیبت بار بود و مردم ایران همیشه سنگینی آن را بر دوش خود احساس خواهند کرد. بررسی این فاجعه نیازمند پرداختن و بررسی رویدادهای یک صد سال اخیر از مشروطیت به این طرف می‌باشد. نمی توان تصادم خونین مجاهدین را با دیگر هم مسلکان مسلمان خود مورد کنکاش قرار داد بی آنکه سلطه دیر پای شریعتمداران حوزه های علمیه را بخصوص در این صد سال اخیر از نظر دور داشت. همچنین لازم است به نقش تعیین کننده جمهوری اسلامی و تصمیم آنان برای سرکوب مجاهدین خلق و دیگر نیروهای سیاسی، نقش امپریالیسم آمریکا در هدایت جمهوری اسلامی به سرکوب مجاهدین خلق، خطای رهبری مجاهدین خلق در درک توان و آرایش نیروها و اتخاذ تصمیم‌های فاجعه‌بار توسط آنها و همچنین اشتباه‌های نیروهای سیاسی از جمله چپ در برخورد منطقی با موضوع باید پرداخت.

انقلاب مشروطیت تا حدودی توانست سلطه روحانیت را لگام زند، ولی متأسفانه به خاطر محدودیت های تاریخی و ضعف نیروهای نوین اجتماعی در جهت کاربست نظراتشان در راستای جدایی دین از حکومت، در نهایت مجبور به نوعی مصالحه با روحانیت در تدوین قانون اساسی شدند. و از انقطاع قانون کونستیتوسیون فرنگی با قوانین اسلامی ملغمه ای را عرضه نمودند، که در بطن خود حامل دوگانگی لائیتستیست و مشروعه بود. این موضوع همان موقع هم داد خیلی از روشنفکران ترقی خواه را درآورد. آنان بارها فریاد برآوردند: "این مشروطه سر از جای دیگری در خواهد آورد. " سرشت اساساً مذهبی روشنفکران و پیشروان جریانات سیاسی ایران عامداً حافظه تاریخی - سیاسی جامعه معاصر را خدشه‌دار و از انتقال تجارب نسل های گذشته به نسل های بعدی جلوگیری نمود. عدم آگاهی کافی از اندیشه های نوین و ممنوعیت انتشار تحقیقات علمی در باره تاریخ اسلام و دین، زمینه را برای رشد باورهای غیر علمی باز گذاشت.

روشنفکران مذهبی که نتوانسته بودند خود را از قیود باورهای ایده‌آلیستی رها سازند، در برابر سیل بنیان افکن یافته‌های علمی و دستاوردهای علوم اجتماعی سعی در نزدیک سازی علم با متافیزیک داشتند. روشنفکران مذهبی رادیکال از اختلاط دین (اسلام) با مارکسیسم در پی یافتن راه حلی بر دوگانگی حاکم بر باورهای خود بودند. البته این دوگانگی صرفاً مختص روشنفکران مذهبی نبود. مارکسیست‌های ایرانی هم که هنوز نتوانسته بودند بین اعتقادات قبلی و باورهای نوین خود مرزها را ترسیم نمایند، بنوعی حامل این دوگانگی بودند. اینان نیز گاه با عاریه گیری از ایده آلیسم و عدم مرزبندی مشخص با دین و نا آگاهی از تعالیم اجتماعی اسلام، در روند مبارزه دچار انحراف شدند. در این مورد نقش حزب توده در ایجاد توهم نزدیکی ماتریالیسم و ایده آلیسم و شبیه جلوه دادن تعالیم اجتماعی اسلام با سوسیالیسم مؤثر بود. حزب توده ایران در سال ۱۳۲۵ با اعلام اینکه "هر گونه عداوت و مخالفت با دین اسلام را ابلهانه قلمداد مینماید،" نقش خود را در زدودن توهمات مذهبی جامعه و بخصوص جامعه روشنفکری به فراموشی سپرد. این سیاست منجر به حمایت از جریانات سال ۴۲ و نهایتاً از روحانیت حاکم در انقلاب ۵۷ گردید. بطوریکه رفیق احسان طبری در مقاله ای به "نام سوسیالیسم و اسلام" می‌نویسد: "عده‌ای تنگ نظر از قربات اسلام و سوسیالیسم در هراسند. " این توهم در بین سایر نیروهای چپ نیز کمابیش دیده می‌شد، رفیق مصطفی شمعان در سال ۱۳۴۳ اعلام می‌کند: "برای مبارزه با رژیم شاه باید به روحانیون و شبکه گسترده آنها یعنی مساجد در شهرها و روستا ها تکیه زد و از موقعیت اجتماعی این قشر به نفع حرکات توده ها استفاده نمود. " سالها بعد بزرگمردی چون خسرو گلسرخی در دادگاه تاریخی‌اش اعلام میدارد: "از عدالت اجتماعی اسلام به سوسیالیسم رسیده ام. " تمامی این عبارات حاکی از عدم آشنایی کافی آنان از تاریخ ایران و اسلام و از تعالیم و آموزه های اجتماعی اسلام می‌باشد. در خوشبینانه ترین حالت ناشی از ضعف آنان در انطباق دستاوردهای علمی - مارکسیستی با واقعیات جامعه بوده است.

تأثیر مذهب به خصوص شیعه گری در اکثر این مبارزین به وضوح آشکار بود. حقیقتاً در بریدن آنان از اسلام و گرویدن شان به مارکسیسم عنصر نقد علمی و آگاهی بهای لازم را نداشت. جلال آل احمد نمونه خوبی در این خصوص می‌تواند باشد، وی که در یک خانواده مذهبی و آخوندی پرورش یافته بود تا مدیریت نشریه مردم ارگان رسمی حزب توده ارتقاء می‌یابد. و در بازگشت به خویش خود را "حسی در میقات" می‌یابد.

از آغاز دهه ۴۰ به بعد با به وجود آمدن فضای سیاسی جدید و وقوع تحولات سیاسی - اجتماعی که باغفال شدن دانشگاهها و مدارس عالی و متزلزل شدن پایه های اقتصادی فتودالیسم و رشد و توسعه تکنولوژی مدرن همراه بود. تأثیر این تحولات سرعت در جامعه و

کودکانه آنان بر روی مواضع خود و استفاده از سلاح و صف‌آرایی و سنگ‌رندی‌شان در برابر جمهوری اسلامی، آنان را در شرایطی آچمز قرار داد، و راه بازگشت را بروی خیل عظیم اعضاء و هوادارانش بست. به نظر ما سیر حوادث غیر از این هم می‌توانست باشد، اگر رهبری مجاهدین خلق در دام حاکمیت گرفتار نمی‌شدند. متأسفانه تصمیم جناحی شرور و بنیادگرا برای کشاندن مجاهدین به این دام خونین با محاسبات غلط رهبران مجاهدین ثمر داد، و شد آنچه که نباید می‌شد. دستگیری و سرکوب گسترده مجاهدین متقابلاً ترور سران حکومتی را در پی داشت، و آن هم دستگیری، زندان و اعدام تعداد زیادی از جوانان مجاهد را بدنبال داشت. همچنین آوارگی و بی‌خانمانی هزاران مبارز و خانواده‌های آنان از دیگر نتایج این روند نامیمون بود.

رژیم جمهوری اسلامی برای اجرای پروژه سرکوب سیاسی جداسازی و سرکوب گام به گام را در پیش گرفت. پس از یورش به کردستان و کشتار مردم ترکمن صحرا نخست یاران لیبرال خود را از میدان بدر کرد. سپس سرکوب مجاهدین خلق را در دستور کار قرار داد. پس از آن نوبت دیگر نیروهای ترقی‌خواه، خصوصاً چپ رسید. جمهوری اسلامی تا نیمه دهه ۶۰ تقریباً پروژه سرکوب را در مورد تمامی نیروهای مخالف به مورد اجراء گذاشته بود تا اینکه با کشتار زندانیان سیاسی در تابستان و پاییز ۶۷، کشتار سبانه‌ای که بعدها به فاجعه ملی مشهور گشت، این پروژه را تکمیل نمود. رمز دوام جمهوری اسلامی و توان وی در سرکوب مبارزات دمکراتیک و طبقاتی مردم کشورمان، در وهله اول ناشی از موفقیت وی در پراکنده سازی نیروهای سیاسی و ممانعت از پیوند نیروهای پیشرو و آگاه با توده های زحمتکش بالاحص کارگران بوده است. سیاستی که همچنان پیش می‌برد و تأثیر فراوانی در بقای رژیم خودکامه و ضد‌مردمی جمهوری اسلامی دارد. امروز افشای سیاست تفرقه افکنانه جمهوری اسلامی و گام برداشتن در راستای غلبه بر این سیاست ارتجاعی وظیفه هر نیروی ترقی‌خواه و دمکراتیک است.

فراخوان برای تشکیل جبهه متحد چپ مردم ایران

می‌بایست پیش پای حاکمان سرمایه قربانی شوند.

با تشکیل جبهه متحد چپ است که زمینه اتحاد و همکاری بیشتر بین دیگر نیروهای مترقی جنبش مهیا خواهد شد و این نیروها می‌توانند بطور عملی، بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر ایران گام بردارند. پیشگامان تشکیل جبهه متحد چپ می‌توانند با حضور نمایندگان همه احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی معتقد به سوسیالیسم علمی وارد مذاکره شده و شرایط را برای برگزاری کنگره ای سراسری مهیا نمایند.

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت آماده است بعنوان عضوی از جنبش کمونیستی مردم ایران برای تشکیل جبهه متحد چپ پیشگام شده و در پیشبرد این مبارزات تلاش نماید.

حداقل هایی را که می‌توان جهت پیش شرط شرکت در این کنگره (کنگره خاوران) برای تشکیل جبهه متحد چپ در نظر گرفت، پایبندی به چنین مواردی باشد:

- ۱- اعتقاد به سوسیالیسم علمی بعنوان هدف نهایی و برنامه ای،
- ۲- اعتقاد به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در ایران با تمام شیوه های مبارزاتی ممکن،
- ۳- اعتقاد به اصلاح ناپذیری رژیم جمهوری اسلامی در ایران
- ۴- مخالفت با دخالت دیگر کشورها در امور داخلی ایران و آلترناتیو سازی آنها،
- ۵- اعتقاد به حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و عدم وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به دیگر کشورها و برقراری ارتباط عادلانه با تمام کشورها بر اساس منافع ملی مردم ایران،
- ۶- اعتقاد به رفع تبعیض و ستم طبقاتی، اجتماعی، ملی، قومی، نژادی، جنسیتی، مذهبی، فرهنگی، شغلی و ...
- ۷- برگزاری رفراندوم بعد از سرنگونی رژیم اسلامی برای تعیین نوع حکومت با حضور آزاد همه افراد، احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی و اجتماعی،
- ۸- لغو مجازاتهای مرگ، اعدام و شکنجه به هر جرم و بهانه ایی
- ۹- برقراری و تضمین آزادیهای کامل سیاسی و اجتماعی برای تمام افراد، انجمن ها، گروه ها، سازمانها و احزاب،
- ۱۰- آزادی شوراها، سندیکاها، اتحادیه ها و دیگر تشکلات توده ای،
- ۱۱- تهیه پیش نویس قانون اساسی کشور متضمن سمت گیری سوسیالیستی با شرایط جامعه ایران،
- ۱۲- لغو سانسور، تضمین آزادی بیان، قلم، کتاب و مطبوعات، رادیو و تلویزیون، اینترنت و دیگر رسانهای اطلاع رسانی و ارتباطی،
- ۱۳- تأمین و تضمین رایگان رفاه همگانی و عدالت اجتماعی مانند: کار مناسب، مسکن، خوراک، پوشاک، تحصیل، بهداشت، تفریح، امنیت اجتماعی، حمل و نقل عمومی و
- ۱۴- اعتقاد به حفظ محیط زیست و پاسداری از منابع طبیعی و آثار تاریخی و فرهنگی کشور،
- ۱۵- معتقد به صلح جهانی و تلاش برای حل مناقشات منطقه ایی، برچیدن سلاحهای کشتار جمعی و توقف رقابتهای تسلیحاتی در سطح بین المللی و منطقه ایی.

همراه شو رفیق،

این درد مشترک هرگز جداجدا درمان نمی‌شود!

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مجاهدین خلق بواسطه باورهای دینی خود در آغاز مورد حمایت خیلی از روحانیون مخالف رژیم شاه و بزرگان دین قرار گرفتند. مبارزات صادقانه و جسورانه مجاهدین خلق برگ برنده‌ای بود برای نیروهای مذهبی در تقابل با گرایشات فزاینده چپ، که با آغاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم اعتبار چپ را مجدداً احیاء نموده بودند. روحانیون از جمله شخص خمینی بحساب اینکه می‌توان از مجاهدین بصورت ابزاری هم‌زمان برای مقابله با گسترش نفوذ چپ و مبارزه با رژیم شاه استفاده نمود، از آنان حمایت و حتی کمک‌های مالی نیز برایشان ارسال می‌نمودند. ولی با تغییر ایدئولوژیک اکثر رهبران و کادرهای مجاهدین خلق این رابطه قطع و با تعمیق رادیکالیسم و دوگانگی حاکم بر سازمان مجاهدین خلق حس کینه و انتقام جایگزین آن گردید. در راستای ایجاد حس کینه و انتقام نیروهای منتسب به انجمن حجتیه و بخصوص هیئت مؤتلفه اسلامی نقش بسزایی ایفاء نمودند. نهایت آنکه وظیفه سلاخی و قتل عام مجاهدین خلق هم بعهدہ اسدالله لاجوردی از سران مؤتلفه اسلامی گذاشته شد، که با کینه‌ای سیری ناپذیر به کشتار مجاهدین خلق و مارکسیست‌ها بپردازد.

جناحی از حاکمیت از ترکیب روحانیت سنتی و هیئت مؤتلفه از ۲۵ خرداد بطور علنی در مقابل مجاهدین خلق به صف آرای پرداختند. در ۳۰ خرداد با تن دادن مجاهدین خلق به این صف‌آرایی تحمیلی و در عین حال خونین، تاریخ ۳۰ سال اخیر ایران بگونه‌ای رقم خورد که منافع و مصالح مردم قربانی گردید. این صف‌آرایی تا آنجا ادامه یافت که آقایان در مجلس شورای ملی یقه بعضی از نماینده ها را می‌گرفتند که: "شما طرف مجاهدین و بنی صدر هستید یا طرف حاکمیت؟" این سؤال باید به صراحت پاسخ داده می‌شد. حتی برای نماینده‌ای که پاسخ داده بود: "جانب هیچ طرفی نیستم، فقط طرفدار انقلاب و اسلام و مملکت هستم." پاپوش درست کردند.

واقعه ۳۰ خرداد فرصت را برای نیروهایی که از مدت‌ها قبل در پی تسویه حساب و سرکوب مجاهدین بودند، فراهم ساخت. اشتباه رهبری سازمان مجاهدین خلق و لجاجت

سالیان زیادی است جنبش چپ ایران در آرزوی تحقق سوسیالیسم پیکار می‌کند و تاکنون در میدان مبارزه هزینه های گزافی را در دوره های حاکمیت دیکتاتوری شاه و شیخ پرداخته است. جنبش چپ ایران با تمام جانفشانیها و رشادتهایی که از خود نشان داده است، متأسفانه نتوانسته حاصل تلاشهای خود را به مردم ایران عرضه نماید. تمام احزاب و گروه‌های چپ علیرغم پراکندگی و ضعفی که داشتند هر کدام به سهم و توان خود، به پیشبرد مبارزات در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران کمک نموده اند. هرچند ممکن است در برهه هایی از زمان، مبارزات بخشی از مبارزان این جنبش با رکود و یا اشتباهات تاکتیکی همراه بوده باشد.

رهبران تشکلهای طیف چپ باید بپذیرند اولین گام خود را در میدان مبارزه که می‌بایست اتحاد نیروهای چپ باشد، بدرستی و بموقع برنداشته اند. بخش زیادی از ناکامی های ما و پیروزی جریانهایی وابسته به نظام غارتگر سرمایه داری در ایران نتیجه این گام اشتباه است. ضربات تازینانه دشمن بر پیکر جنبش چپ، چپاول کارگران و زحمتکشان توسط غارتگران سرمایه داری تا زمانی که این جنبش در تفرق بسر می‌برد، فروود خواهد آمد. در حالی که استوره های جنبش ترقیخواه و تحول طلب ایران در خاک خاوران ها در جوار هم، با پیکر خونین بدست دشمن مدفون گشته اند، رهبران تشکلهای طیف چپ ایران، در آسمان تخیلات خود بدور از هم سیر می‌کنند.

رفقای رنج‌دیده، خانواده شهدا و بدنه جنبش چپ ایران بدرستی چنین می‌سرایند: «همراه شو رفیق تنها نمی‌شود، این درد مشترک جداجدا هرگز درمان نمی‌شود»، آیا در میان رهبران جنبش چپ ما گوش شنوایی هست؟

آری ما میدانیم برای رسیدن به اتحادی اصولی و فراگیر، باید نقاط اشتراکی بعنوان حداقل ها، بین نیروهای چپ وجود داشته باشد. آری میدانیم این درد مشترک ماست و نقاط اشتراک بسیاری در بین نیروهای چپ وجود دارد. آری ما می‌دانیم اتحاد سخت و از خود گذشتگی و همت بسیار می‌خواهد! سؤال اینست: شرایط مناسب چه زمانی است و چگونه می‌توان بر نقاط اشتراک تکیه کرد؟ آیا دشمن می‌بایست زمینه های این اتحاد را فراهم کند و آیا تاکنون اینکار را نکرده است؟!

تعدادی از رهبران ما در این زمینه کوتاهی بسیار کرده اند و بخشی از هزینه های گزاف جنبش چپ مردم ایران محصول بی مسئولیتی آن دسته از رهبران است که در رهبری گروه‌های چپ مسئولیت گرفته اند و در این زمینه غیر مسئولانه عمل کرده اند!

شاید بخشی از رهبران مدعی هم اکنون دغدغه جنبش چپ و مردم ایران را نداشته و بعد از سالها مبارزه، خسته شده و به خوش نشینی در غرب عادت کرده اند و یا بر اثر وابستگی های خانوادگی، معادلات و معاملات سیاسی حاضر به زندگی و مبارزه در ایران نبوده و یا قادر به پرداخت هزینه های گزاف همچون گذشته نباشند.

اما به یقین برای بدنه جنبش چپ ثابت شده است که تنها راه نجات کشورمان از زیر چنگال رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و دخالت‌های امپریالیسم جهانی در امور ایران، تشکیل جبهه متحد نیروهای چپ باورمند به سوسیالیسم علمی است و تا زمانی که جنبش چپ ایران در تفرق بسر میرود، انتظار تحولات دمکراتیک و برقراری آزادی و برابری، انتظاری بیهوده خواهد بود.

تنها تشکیل جبهه متحد چپ است که می‌تواند ضمن دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان میهنمان، دیگر نیروهای ملی و دمکرات را به مبارزات عدالتخواهانه امیدوار و آنها را با خود همراه سازد، تا زمانی که جنبش چپ ایران فاقد چنین جبهه متحدی است، قدرت سیاسی در ایران بین نیروهای وفادار به سیستم سرمایه داری دست بدست خواهد شد و نیروهای چپ ایران، اولین قربانیانی خواهند بود که

رفقای هیئت تحریریه نشریه کار داخل کشور *

با تبریک به مناسبت انتشار کار داخل کشور و آرزوی موفقیت در کار سترگی که آغاز نموده اید، امیدواریم بتوانید تا آخر به اهدافی که در سرمقاله شماره نخستین بیان داشته اید پایبند باشید. مطمئناً در این راه با سختی ها و نامالیقات زیادی مواجه خواهید شد. با این همه اگر بتوانید استوار و راسخ بر روی اهداف خود بیایستید یقین بدانید که دستان زیادی به یاری شما دراز خواهد شد و اگر بتوانید نهفته فدائیان داخل کشور را باور داشته باشید، از این نیروی پایان ناپذیر بهره برده و متقابلاً در شکوفائی آن نقش خواهید داشت. ما دست همکاری به سوی شما دراز می کنیم و تا زمانی که بر پیمان خویش هستیم، می توانید از همکاری ما مطمئن باشید. ضمن تشکر از انعکاس مطلب ما تحت عنوان "پیش بسوی انترناسیونالیسم جدید" به مناسبت روز جهانی کارگر، سعی خواهیم نمود برای شماره های بعدی هم مطلبی داشته باشیم. نوشته زیر را که در استقبال از موضوع اتحاد چپ و با استفاده از مطلبی که قبلاً تحت عنوان "بینیه وحدت" به کنگره دهم ارائه کرده بودیم، نگاشته و برایتان ارسال می نمایم.

اتحاد چپ**ضرورت ها، وظایف و چشم اندازها****چپ کیست؟**

لازم است قبل از هر چیزی تعریف خود را از چپ مشخص نماییم. چپ در فرهنگ سیاسی به نیروهایی اطلاق می شود، که مدافع دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، صلح، محیط زیست، رفع ستم ملی، ریشه کنی بیسوادی، رفاه عمومی و ... می باشد. هر چند که نیروهای دیگری هم برای تحقق این آماج ها تلاش می کنند، ولی پیکار چپ برای تحقق این اهداف تفاوت های بنیادین با احزاب و سازمان های بورژوازی دارد. ولی آنچه چپ را از سایر نیروها خصوصاً از جریانات سرمایه داری متمایز می نماید، اساساً نگرش متفاوت آنها به این مقولات اجتماعی نیست. بلکه ریشه اصلی تفاوت چپ با جریانات غیر سوسیالیستی، در اعتقاد چپ به مبارزه طبقاتی و لزوم براندازی بهره کشی انسان از انسان و سلب ماکیت خصوصی وسایل تولید از سرمایه داران و برقراری نظام سوسیالیستی است. چپ در مبارزه بین کار و سرمایه از منافع طبقه کارگر و از حقوق تمام زحمتکشان جانبداری می کند و برعلیه اردوی سرمایه می رزمند. از این منظر چپ صفتی سوسیالیستی است. و در شرایطی که سرمایه داری و طرفداران نئولیبرالیسم برای مبارزه با چپ و از بین بردن قدرت رزمندگی آن سعی در کم رنگ کردن تفاوت های چپ با جریانات بورژوازی و برهم زدن خط مرزهایش دارند، در شرایطی که رژیم های ارتجاعی در پی مشروعیت بخشیدن به خود از اعتبار نام چپ بهره برداری می کنند، بهتر است در استفاده از واژه چپ بر صفت سوسیالیستی آن تأکید کنیم.

برشماری مشخصه های بالا در تعریف چپ به منزله آیات آسمانی و ترسیم خط و مرزی قطعی و انعطاف ناپذیر برای مجموعه چپ نیست. ما معتقدیم تنوع فکری چپ نه تنها بازدارنده نیست، بلکه موجب پویایی و شکوفایی آن خواهد بود. چپ با بهره گیری از بینش مارکسیستی در برخورد با پدیده های اجتماعی و تحلیل ماتریالیستی و دیالکتیکی در پی ایجاد تحولات بالنده اجتماعی است. در جریان این تحولات مداخله آگاهانه انسان را شرط لازم و البته نه کافی، برای گام برداشتن در راستای تکامل اجتماعی می داند. به همین دلیل خواهان مداخله مؤثر نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی در مبارزات سیاسی - اجتماعی و تحولات جوامع انسانی می باشند. چپ سوسیالیسم را نظامی اجتماعی و آلترناتیو بالقوه نظام سرمایه داری می داند، و برقراری آن را بعنوان نظامی ارزشی به فردائی موهوم محول نمی کند. کسانی که صرفاً بر ارزشی بودن سوسیالیسم تأکید می ورزند و مبارزه در راه برقراری سوسیالیسم را در شرایط کنونی مردود می شمارند، در زمره چپ های مردودی قرار دارند، که در اردوی چپ متحدین ثابت قدم و قابل اتکائی به شمار نمی آیند. هر چند آنها متحدین با ارزشی برای چپ در مبارزات دموکراتیک هستند.

ضرورت های اتحادچپ

واژه اتحاد رایج ترین اصطلاح در بین فعالین سیاسی اپوزیسیون ایران است. به کارگیری مداوم واژه اتحاد توسط احزاب و سازمان های سیاسی اپوزیسیون و فعالین سیاسی، صدور قطعنامه و فراخوان و تدوین پلتفرم های متعدد در رابطه با امر اتحاد و همکاری نیروهای سیاسی، خود حاکی از عینیت این نیاز است. از لحاظ نظری اکثریت قریب به اتفاق این جریانات سیاسی نیاز جنبش دموکراتیک و جنبش طبقاتی میهن مان را به مسئله اتحاد و یکپارچگی، نیروها در عرصه های مختلف باور نموده اند. آنها یقین دارند که به تنهایی قادر به تأمین اهداف مورد نظرشان نیستند.

نیاز مبرم به دگرگونی های سیاسی و آبستن حوادث بودن جامعه ایران، ضرورت وحدت گسترده چپ را اقتضا می کند. نیروهایی که نخواهند و یا نتوانند در این راستا گام بردارند،

خواسته و یا نخواسته آب به آسیاب دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشان می ریزند. اگر امروز پس از گذشت ۲۹ سال، جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست، بخشی از مسئولیت آن متوجه نیروهای سیاسی جامعه به خصوص چپ می باشد. چپی که ادعای دفاع از منافع طبقاتی کارگران را دارد، چپی که خود را مسلح به بینش مارکسیستی می داند، و بر میراث نظری لنین مباحثات می کند. چرا از درک این واقعیت ساده عاجز است؟ مسلماً عامل استبداد جمهوری اسلامی و ترندهای امنیتی آن در ایجاد شبهه و اختلاف در بین اپوزیسیون، به خصوص اپوزیسیون چپ نقش مهمی داشته است. ولی نمی توان تمامی گناهان را به جمهوری اسلامی یعنی عامل بیرونی نسبت داد و از نقش عامل درونی یعنی خود احزاب، سازمان ها و شخصیت های چپ چشم پوشی نمود.

هم زمان با تشدید بحران در جامعه و گرایش به دگرگونی های سیاسی، شاهد رشد نیاز به گفتن چپ سوسیالیستی هم هستیم. هر چند چپ در گستره جهانی و در چند دهه اخیر زیر فشار بوده و با شکست سوسیالیسم شوروی بحران شدیدی را پشت سر گذاشت. چپ ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و با سرکوب و کشتار تمامی طیف های آن فشار مضاعفی را متحمل گردید. علیرغم بحران ها و ضربات وارده، فلسفه وجودی چپ و نیاز جامعه به گفتن چپ هیچگاه زیر سؤال نرفته و چپ را به بحران موجودیت دچار نساخته است. آنچه امروز ضعف چپ محسوب می شود، و چپ ایران را بشدت آزار می دهد، تشتت و تفرقه موجود در بین نیروهای چپ است. امروز مبرم ترین وظیفه چپ غلبه بر روحیه ی تفرقه و تشتت است. مطمئناً صف آرای متحد چپ موجب گسترش تفکرات رادیکال و کارگری در میان چپ ایران خواهد شد.

به لحاظ تاریخی در یک صد سال اخیر چپ در حیات سیاسی و حتا دیگر عرصه های اجتماعی از جمله در جنبش های دموکراتیک، کارگری، زنان، دانشجویان و در هنر و ادبیات و ... نقش برجسته ای ایفا نموده است. از اینرو چپ و نقش آن در حیات سیاسی کشورمان غیر قابل انکار می باشد. حوادث اخیر کارگری و دانشجویی هم مؤید این امر می باشد. از طرفی دیگر رشد جنبش کارگری و دانشجویی در سال های اخیر با گرایش رادیکال موجب تقویت موقعیت چپ کمونیست و تضعیف لیبرال های بریده از چپ و سوسیال دمکرات های راست گردیده است.

علل تفرقه و تشتت چپ

عوامل متعددی در پراکندگی و تشتت چپ ایفای نقش نموده. اگر این معضل پس از گذشت سه دهه و حتا بیشتر هنوز توانسته ادامه یابد، باید قبول داشت که این موضوع صرفاً عاملی ذهنی نبوده و بر بنیان های عینی بمراتب قوی تری استوار است. از عوامل خارجی به مواردی همچون سرکوب و اختناق، تحمیل مهاجرت اجباری، گسست از پایگاه اجتماعی، شکست سوسیالیسم مدل شوروی و نفوذ لیبرالیسم و سوسیال دموکراسی متمایل به نئولیبرالیسم در صفوف چپ اشاره نمود. ترجیح منافع فردی و گروهی به منافع طبقاتی، اختلافات شخصی، استیلای فرهنگ استبدادی و فرد محوری، وجود و رشد افشار بینابینی در صفوف چپ سوسیالیستی، سکتاریسم و انزوا طلبی، باورها و رفتارهای مغایر با اهداف سوسیالیستی، ضعف تئوریک و دچار روزمرگی شدن هم از عوامل درونی این بیماری است.

سیاست سرکوب و اختناق همراه با تلاش های امنیتی رژیم در سه دهه حیات خود نقش بسزایی در پراکندگی نیروهای چپ داشته است. در سه دهه گذشته روحیه تفرقه و اتحاد گریزی در بین نیروهای چپ به بهانه مسائل غیر بنیادی و حتا پیش پا افتاده کارآیی قوی داشته است. چپ ایران در پی سیاست های سرکوب و ترور و خفقان سیاسی نتوانست ارتباطی ارگانیک با طبقه کارگر برقرار سازد، و نهایتاً از پایگاه اجتماعی خود گسست. نابودی تشکیلات احزاب و سازمان های چپ، مهاجرت کادرها و رهبران شان به خارج و طولانی شدن زمان مهاجرت موجب از بین رفتن فضای گفتگو و گسست بین نسل ها و فعالان چپ گردید. و دمیده شدن خون تازه در رگ های چپ و تشکیلات چپ را مانع شد. بحران رهبری ناشی از گسست از پایگاه اجتماعی چپ موجب تضعیف نقش تفکر پرولتری در رهبری جریانات چپ، و رشد تفکر افشار بینابینی به واسطه حضور وسیع شان در بین احزاب چپ گردید. این بحران رشد تفکرات انحرافی و رفرمیستی محض در قالب نظام سرمایه داری را در پی داشت. تفکرات سوسیال دموکراسی برآمد منطقی این گرایش بود. که گریبان اکثر جریانات چپ به خصوص سازمان ما را فرا گرفته است. رشد جنبش های اجتماعی و تعمیق مبارزات کارگری ضمن آنکه می تواند فاصله بین فعالین چپ داخل و خارج را از بین ببرد، همچنین عاملی مؤثر برای زدودن بیماری ها و انحرافات چپ بشمار می رود.

در پیدایش این کاستی ها همه ی ما به درجائی مقصریم و برای غلبه بر آن نیازمند بازنگری اساسی در باورها و رفتارهای مان در خصوص روابط متقابل احزاب، احزاب با اعضا خود و فعالین سیاسی چپ با توده های مردم می باشیم. برای دست یابی به جبهه ای واحد لازم است، اهداف اتحاد و سیاست های اجرایی آنرا با خرد جمعی مجدداً تعریف کرد. نمی توان بدون درک واقعیت های تاریخی وارد عرصه ای شد، که احتمال حصول نتایج منفی آن بمراتب بیشتر از نتایج مثبت اش می باشد. سازمان ما بنابه سابقه تاریخی اش، توان لازم

نظر آید. ولی حوادث چند سال اخیر امیدواری هایی را موجب شده است، که اگر بدست خود تباهش نسازیم، این مهم دست یافتنی است.

رشد جنبش های کارگری در چند سال اخیر ضرورت تشکیل یابی صنفی کارگران و پیوند احزاب و سازمان های کارگری و کمونیستی با اتحادیه های کارگری را مطرح ساخته است. تجارب گذشته نشان داده که همکاری و اتحاد چپ بر مبنای تدوین برنامه و پلاتفرم مشترک و یا تجمع فیزیکی احزاب و سازمان های چپ نمی تواند کارایی خوبی داشته باشد. چنین اقداماتی هرچند لازم است، ولی کافی نیست. اقداماتی این چنینی بازدهی لازم و قابل قبولی نخواهد داشت، اگر بر بستر مبارزات توده ای و جنبش های اجتماعی شکل نگیرد. فعالیت های مشترکی که برای آزادی کارگران زندانی، دانشجویان چپ، فعالین زنان، معلمان و پرستاران و بطور مشخص مبارزه برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی انجام گرفته و همینطور حمایت و دفاع از خواست کارگران نیشکر هفت تپه که ادامه دارد، بمراتب پربارتر و ملموس تر از هر نشست و پلاتفرم مشترکی بازدهی داشت و حتا نشان داد که تحقق نظری اتحاد بر پایه مبارزات عینی شکل می گیرد و دوام می یابد. اگر چنین اقدامات مشترکی بر خواست و حرکتی مشترک و منسجم متکی باشد، شاهد شکوفایی گفتمان چپ در جنبشهای اجتماعی و مبارزات طبقاتی و دمکراتیک کشورمان خواهیم بود. فرارویاندن اقدامات مشترک ضعیف به خواست و حرکتی توانمند، وظیفه تمامی جریانات چپ بشمار می رود.

نقش چپ در اتحادهای مودی و دمکراتیک

اتحاد چپ نایستی به تلاش تقابل گرایانه با اتحاد دمکراتیک تفسیر شود. بلکه باید آنرا بمنابهای اقدامی برای دموکراتیزه و رادیکالیزه کردن جنبش دموکراسی خواهی بشمار آورد. خواست های دمکراتیک از خواست های اساسی مردم کشورمان بشمار می رود که پس از گذشت ۲۹ سال از انقلاب بهمین نه تنها نتوانسته به اهداف خود دست یابد، حتا در مواردی چون حقوق فردی، حقوق زنان و حقوق بشر مجبور به عقب نشینی هایی هم شده است. برای اینکه اتحاد دمکراتیک رویکردی عدالت خواهانه داشته باشد، لازم است حضور نیروهای مترقی و چپ در این اتحاد قوی تر شود. هر چه حضور چپ پررنگ تر شود، رویکرد عدالت خواهانه در این اتحاد عمیق تر خواهد شد.

اتحاد چپ می تواند هسته عدالت خواه اتحاد گسترده دمکراتیک در کشورمان باشد. اتحاد چپ موجب افزایش تحرک رقبای سیاسی چپ نیز خواهد شد. نیروهای چپ اگر بدون اتحاد گسترده گردان های چپ و انسجام تشکیلاتی خود وارد تعامل و همکاری با سایر نیروها برای ایجاد اتحادی دمکراتیک شوند. یقیناً نخواهند توانست حرکتی مستقل از خود ارائه دهند و برنامه خود را عرضه و صف مستقل چپ را شکل دهند. و چه بسا به کارگزاران و هوراکشان جریانات قوی تر از خود تبدیل شوند. چپ بایستی متحداً و با برنامه و آماج های خود در اتحاد دمکراتیک شرکت کند. اما بایستی توجه نمود که نه تحولات اجتماعی و نه توده های مردم تا اید منتظر ما برای شکل دهی اتحاد چپ نخواهند ماند. این اتحاد را امروز باید سازمان دهی کرد. در روزهای بحرانی و در جریان تحولات تاریخی فرصتی برای شکل دهی چنین امری نخواهد بود. و مورد دیگر آنکه جریانات چپ به واسطه عدم شکل گیری اتحاد چپ نمی توانند وظایف دمکراتیک خود و به تبع آن حضور در جبهه ای با مشارکت نیروهای دمکرات را به بعد از اتحاد چپ حواله نمایند.

عدالت اجتماعی و خواست های دمکراتیک مهم ترین و اصلی ترین خواست و نیاز توده هاست. صحبت از دمکراسی بدون رویکرد عدالت خواهانه، به مسخ دمکراسی خواهد انجامید. ما معتقدیم چپ مؤلف به تلفیق مبارزات دمکراتیک و مبارزات طبقاتی است. کم بهاء دادن به هریک از آنها انحراف از سوسیالیسم علمی و در خدمت اردوی سرمایه است. بر همین اساس ما به اتحادی دمکراتیک حول دمکراسی، حقوق بشر و جمهوری خواهی با رویکردی عدالت خواه و در عین حال سکولار باور داریم. رفع ستم ملی و ستم جنسی و برقراری حکومتی دمکراتیک و مردمی از اهداف اصلی این اتحاد می باشد. گذشته از شیوه های مبارزاتی و تعلقات طبقاتی، التزام به آماج های فوق و اعتقاد به نفی جمهوری اسلامی و ترسیم خط حائل با رژیم های سلطنتی و مذهبی از ارکان اتحاد دمکراتیک خواهد بود. تلاش این جبهه صرفاً برای نفی استبداد نیست. دست یابی به جامعه ای دمکراتیک و حکومتی مردمی خواست محوری این اتحاد می باشد.

هر جریان سیاسی با مشخصات و رنگ و بوی خود در این جبهه حضور خواهد یافت. درست است که این اتحاد بر پایه اشتراکات شکل خواهد گرفت، ولی پویائی آن در پذیرش و شفافیت دادن اختلافات است. از این رو حضور چپ در این اتحاد نمی تواند مانع بیان نکته نظرات و ارائه برنامه های خود باشد. در این پیکار چپ را الزامی به تعطیلی مبارزه طبقاتی نیست. چپ تعمیق مبارزات دمکراتیک را در راستای گسترش مبارزات طبقاتی می خواهد و می داند، و ارتباط دیالکتیکی آن دو را باور دارد. لزوم حضور فعال چپ در این عرصه بر همین اساس می باشد.

* این مقاله از طریق ایمیل به دستمان رسیده است.

برای همکاری با اکثر قریب به اتفاق سازمان ها و احزاب چپ را داراست. از این رو ضروری است، مساعدت لازم را برای شکل گیری اتحاد چپ با مشارکت گسترده احزاب و سازمان های چپ به همراه شخصیت های منفرد سیاسی، فرهنگی و علمی چپ کشورمان بعمل آوریم.

از طرفی دیگر نباید تعدد احزاب و سازمان های چپ را نتیجه منطقی برآیند طبقات اجتماعی و اقشار بینابینی دانست. این تعدد حاصل تفکرات خورده بورژوازی و فرهنگ مبتنی بر فردگرایی و استبدادی، حاکم بر ماست. دهها تشکل چپ را شاید بتوان در سه و یا حداکثر چهار حزب سیاسی طبقه بندی نمود. تا رسیدن به آن منزلتشکیل جبهه ای از احزاب، سازمانها و شخصیت های منفرد چپ را امری منطقی، ضروری و در دستور روز می دانیم.

اتحاد بر کدامین محور؟

متناسب با برنامه ای که ارائه می شود، و هدفی که تعریف می گردد، راه کارهایی هم برای آنها طرح می شود. هر برنامه ای سوای بیان آماج ها و اهداف اش، روش های دست یابی و متحدین خود را هم صراحتاً یا تلویحاً مشخص می سازد، حتا اگر تدوین کنندگان آن برنامه نخواهند از این مسئله طفره روند. برنامه ارائه شده، خود نیروهایی را که پتانسیل لازم برای فعالیت در راستای تحقق چنین امری را دارند، مشخص خواهد ساخت.

اتحاد چپ علاوه بر خواست های دمکراتیک و مبارزه برای دمکراسی و حقوق بشر، بایستی تأمین عدالت اجتماعی و گذر از سرمایه داری به نظام سوسیالیستی را در رأس آماج های خود قرار دهد. و علیرغم تفاوت های نظری، دفاع از منافع طبقه کارگر گرانیگاه اتحاد چپ می باشد. اگر نخواهیم خود را به کلیات محدود نموده و بصورت مشخص با مسائل بر خورد کنیم. امروز دیگر نمی توان به شیوه های سنتی نا کاراً و محدودگرانه به جنبش های اجتماعی و خصوصاً جنبش های کارگری پاسخ داد. بایستی حلقه هایی را که بتواند طیف گسترده ای از نیروهای پراکنده چپ و کمونیست را گرد هم آورده و به مبارزه ای مشترک سوق دهد، را شناخت و بکار بست. تدوین استراتژی و تقویت اقدام مشترک سوسیالیستی در عرصه جنبش های اجتماعی و ارائه پاسخی مبتنی بر بنیان های چپ سوسیالیستی به نیاز جنبش های اجتماعی و در رأس آن جنبش های کارگری، از جمله اقداماتی است که چپ کشورمان می تواند بطور مشترک در آن راستا اقداماتی را سازماندهی کند.

اتحاد امری نظری است که بر بستر مبارزه تحقق خواهد یافت و برای شکل گیری آن داشتن روحیه اتحاد لازم است. اتحاد امری سلبی و هم ایجابی است و نمی تواند صرفاً بر پایه اعتماد متقابل بنا گشته و پایدار بماند. همچنین بایستی توجه نمود که اتحاد صرفاً برای اتحاد نیست. بلکه ابزاری برای پیشبرد و تحقق اهدافی دیگر است، ساختار سازی برای اتحاد امری ضروری است ولی کافی نمی باشد. هر ساختاری هدف و پروژه ای را دنبال می کند و با وجود آنهاست که معنا می یابد. پس در هر اتحادی وجود ساختار و هدف به همراه هم لازم است. حفظ ساختار به هر قیمتی موجب بیهوده گی و انفعال کل ساختار خواهد شد. هر ساختاری بجز برنامه و اهداف، بایستی سیاست های روشنی را جهت رسیدن به آن اهداف ارائه نماید. مبارزه در راستای اهداف و پروژه تعریف شده، موجب پایداری ساختار و معیاری برای سنجش و کارایی اعضای آن ساختار خواهد بود. احزاب و سازمان ها پایه و ارکان هر اتحاد سیاسی را تشکیل می دهند. همچنین هیچ اتحادی نمی تواند از کنار شخصیت های منفرد سیاسی، فرهنگی و علمی به آسانی عبور کند.

چپ برای حضور در هر اتحادی و در جریان مبارزات سیاسی خود اهدافی را دنبال می نماید، که از اهم آن می توان موارد زیر را برشمرد:

دفاع پیگیر از دمکراسی مشارکتی و مردمی، و تلاش برای تعمیق آن به لایه های زیرین جامعه

• برقراری نظام سوسیالیستی بعنوان بدیل و آلترناتیو نظام سرمایه داری
• نفی استثمار انسان از انسان و دگرگونی مناسبات اجتماعی به نفع کارگران و زحمتکشان
• تلاش برای سازماندهی سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر و رشد آگاهی های سیاسی و طبقاتی آن

• جانبداری از اردوی کار در مبارزات طبقاتی بر علیه اردوی سرمایه
• مبارزه برای اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان، و دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری
• مبارزه علیه غارت گری های امپریالیسم و سیاست های نتولیبرالیستی آن
• دفاع از صلح و محیط زیست

• دفاع از حقوق اقلیت های ملی، مذهبی، زنان و کودکان
در این مبارزه کمونیست ها و سوسیالیست ها در اردوی چپ به همراه متحدین خود در جنبش های اجتماعی، منتقدین جهانی سازی سرمایه داری، اتحادیه های کارگری برای تحقق آماج هایش تلاش می ورزند.

آیا امید برای اقدام مشترک وجود دارد؟

با توجه به تشتت چندین ساله نیروهای چپ و حتا دمکرات، که سابقه ای به درازای عمر جمهوری اسلامی دارد، شاید تجسم آینده ای فارغ از تفرقه و پراکندگی دور از ذهن به

سعید سلطانیپور



۳۱ خرداد مصادف است با ۲۷ مین سالروز اعدام رفیق فدائی سعید سلطان پور، شاعر، هنرمند و نویسنده مبارز کشورمان. نام سعید یادآور مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم، مبارزه برای رهایی از ستم و نابرابری، مبارزه برای کسب آزادی، در دو رژیم شاه و شیخ است. سعید تمامی هنر خود را برای آگاهی بخشی به مخاطبان خود و انگیزش شور مبارزه علیه دیکتاتوری و بی عدالتی های نظام سرمایه داری نمود.

سعید سلطانیپور که در اواخر دهه بیست در سبزوار دیده به جهان گشوده بود، عمر خود را وقف مبارزه در راه آزادی توده ها و عدالت نمود. سعید سلطانیپور که در زمان رژیم پهلوی با جان و دل پیکار کرده و شکنجه های سختی را متحمل شده و سالیان درازی از عمر خود را در زندان های رژیم شاه گذرانید. اسطوره ای از مقاومت خلق در برابر رژیم مستبد شاهنشاهی و امپریالیسم جهانی بود.

رفیق سعید سلطان پور دو ماه قبل از آنکه اعدام شود در مراسم عروسی اش به اتهام واهی و مضحک "خروج غیر مجاز ارز" دستگیر شد، و ۶۶ روز بعد در اقدامی کینه توزانه و انتقام جویانه توسط حکومت جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شد. یادش گرامی باد!

انوشیروان لطفی



بیستمین سالروز شهادت رفیق انوشیروان لطفی گرامی باد!
انوشیروان لطفی از اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و از زندانیان مشهور سیاسی در زمان شاه. در سال ۱۳۵۴ دستگیر و به حبس ابد محکوم شد. وی در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و مجدداً در سال ۱۳۶۲ این بار توسط حکومت اسلامی ایران دستگیر گردید. انوشیروان لطفی که هنگام دستگیری عضو کمیته ی مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود، در زندان مورد شکنجه های شدیدی قرار گرفت و سرانجام در خرداد ماه سال ۱۳۶۷، توسط حکومت جمهوری اسلامی اعدام شد. بسیاری اعدام او را مقدمه ی اعدام های دسته جمعی سال ۱۳۶۷ دانسته اند.

اعلامیه هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت ۸ تیر، روز جانباختگان جنبش فدائیان خلق ایران

پایان باد سرکوب آزادی در ایران!

برقرار باد حقوق بشر در کشور!

۳۲ سال از ۸ تیر ۱۳۵۵ می گذرد. روزی که در آن رفیق حمید اشرف همراه با همه یاران عضو مرکزیت و گروهی از کادرهای سازمان بر اثر یورش ساواک شاه به محل نشست مسئولین وقت چریکهای فدایی خلق ایران، به خون نشستند و جملگی جان باختند. این روز تابستان تفتان تهران به احترام نام و آوازه این رفقا، روز جانباختگان فدایی به خود گرفت و به نشانه زنده داشت نام و آرمان همه لاله های خونین این جنبش، ثبت تاریخ سراسر سرکوب آزادی در میهن ما شد.

در این روز رفقا حمید اشرف، محمد رضا پثری، محمد حسین حق نواز، طاهره خرم، غلامعلی خراط پور، محمد مهدی فوقانی، فاطمه حسینی، یوسف قانع خشکه بیجاری، غلامرضا لایق مهربانی، عسگر حسینی ابرده و علی اکبر وزیری بر سر آرمانهای خود نهادند و با ایستادگی در برابر جلادان آزادی و آزادیخواهان، پوشالی بودن قدرت شاه دیکتاتور را درست در اوج فریادهای مستانه او به نمایش گذاشتند. ۳۲ سال است که فداییان خلق، هم تبارهای تاریخی آنان و هم پیوندهای فکری و سیاسی آنها این روز را یاد می دارند و هشتم تیر را چونان نشانه ای ماندگار از پایداری بر سر آرمان آزادی و عدالت در ایران می نامند.

دریفا که اما، در کشور ما به گفته آن بزرگمرد شعر آزادی - احمد شاملو - هنوز هم مزد گورکن بسی بیشتر از ارزش جان آدمی است. و دردا که حکومت، همچنان حکومت شحنه و محتسب است و سهم هر آن کس که از آزادی و حفظ کرامت انسان و حرمت به حقوق بشر سخن می گوید، سرکوب است و بس. در کشور ما، باز هم گرمگان، آزادگان را با داغ و درفش به انتظار می نشینند و سرایندگان آزادی، پیشاپیش عقوبت بینی از سوی عمله استبداد را به پیشواز می روند. در میهن ما ۳۰ تیرها، ۸ تیرها و ۱۸ تیرها نه لحظاتی منفصل از هم، بل نقاطی هستند از خطی پیوسته که شوربختانه همچنان ادامه دارد. حکومت فقه و پاسداران آن هر روز و هر ساعت حقوق بشر را در همه وجوه آن نقض و سرکوب می کنند و از همین طریق، مبارزه برای رعایت و تثبیت حقوق بشر در ایران را در دستور کار همگانی همه آزادیخواهان قرار می دهند. هم از این رو برای ما فداییان خلق که با آرمان آزادی و عدالت اجتماعی زاییده شده ایم و با آنها و برای آنهاست که مبارزه می کنیم، در شرایط کنونی که مشخصه آن سرکوب سازمانیافته آزادیخواهی و هر حرکت و اعتراض مدنی از سوی حکومت فقه و ولایت است، مبارزه برای دفاع از هر حق انسانی و همکاری در این زمینه، اولویت مقدم می یابد.

ما بزرگداشت نام و یاد جانباختگان جنبش فداییان خلق و همه قربانیان یک صد و پنجاه سال پیکار در راه حکومت قانون، آزادی، دموکراسی، پیشرفت، توسعه و عدالت اجتماعی را در مختصات سیاسی و اجتماعی فعلی، همانا در گشودن و گستراندن صف مبارزه برای رعایت و تثبیت حقوق بشر در ایران می شناسیم و لازمه آن را ایستادگی مشترک در برابر انسان ستیزی حکومت دین و دین حکومتی می دانیم که عریانترین چهره آن را همانا و اینک دولت عزیز کرده ولی فقیه به تجلی نشسته است. گرامیداشت یادمان شایسته ۸ تیر، باز کردن و پنهان بخشیدن به صفی است که نیروی مدنی اگر چه پراکنده اما بسیار بزرگ و آگاه را پشتوانه خود دارد؛ نیرویی که حاصل انباشت تجربه مبارزه دیرینه و خونین برای آزادی در این سرزمین و مستظهر به دستاوردهای حمایت گرایانه نیروی جهانی حقوق بشر است.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۷ تیر ماه سال ۱۳۸۷ (۲۷ ژوئن ۲۰۰۸)

یاد یاران



یاد باد

زیر شب

با صدایی پر از خار و زخم
با صدایی پر از جراحت های تجربه
نعره می کشم
آیا دریای خار و خون را می بینی؟

با حنجره ای خونین
نعره کشیدم
آیا صدای زخم را شنیدی؟

مشت هایم را بر شب کوفتم
شب
سر سخت
ایستاد

زیر شب
چون ستوری زخمی
سم بر زمین کوفتم
و گریستم

ستاره
ویران بود
هیچکس صبحه های خونین را نشنید
با حنجره ای خونین
نعره کشیدم
هیچکس باران خون را ندید

زیر شب
و زیر ابر
ای عظیم ترین فریاد
بگذار تو را چنان برکشم
که به قلب ستارگان
پرتاب شوم

با صدایی پر از خار و زخم
در انقلاب خون
به دیدارم بیا

سعید سلطانیپور

زندانی سیاسی آزاد باید گردد